



آمریکا  
فطنامه  
شورای امنیت  
علیه اسرائیل  
را ونو کرد

# کیهان

## تاکید هاشمی رفسنجانی بر اصلاح اساسنامه دانشگاه آزاد

رئیس‌جمهور گفت: باید دانشگاه آزاد را به یک دانشگاه واقعی تبدیل کرد. هاشمی رفسنجانی در این دیدار بر اهمیت اصلاح اساسنامه دانشگاه آزاد و تبدیل آن به یک دانشگاه واقعی تأکید کرد. او افزود: باید با اصلاح اساسنامه، استقلال دانشگاه را تضمین کرد و از وابستگی آن به دولت جلوگیری کرد.

تاریخ انتشار: ۱۳۸۶/۱۱/۳ | شماره: ۱۶۰۰ | صفحه: ۲ | قیمت: ۲۰۰۰ ریال

رئیس‌جمهور در پایان جلسه هیئت دولت:

# نظر رهبر انقلاب فصل الخطاب است

تظاهرات نمایندگان مجلس علیه نسل‌کشی صهیونیست‌ها در غزه



رئیس‌جمهور گفت: باید دانشگاه آزاد را به یک دانشگاه واقعی تبدیل کرد. هاشمی رفسنجانی در این دیدار بر اهمیت اصلاح اساسنامه دانشگاه آزاد و تبدیل آن به یک دانشگاه واقعی تأکید کرد. او افزود: باید با اصلاح اساسنامه، استقلال دانشگاه را تضمین کرد و از وابستگی آن به دولت جلوگیری کرد.

رئیس‌جمهور گفت: باید دانشگاه آزاد را به یک دانشگاه واقعی تبدیل کرد. هاشمی رفسنجانی در این دیدار بر اهمیت اصلاح اساسنامه دانشگاه آزاد و تبدیل آن به یک دانشگاه واقعی تأکید کرد. او افزود: باید با اصلاح اساسنامه، استقلال دانشگاه را تضمین کرد و از وابستگی آن به دولت جلوگیری کرد.



### ۱۰۰۱ نامزد در تهران تأیید صلاحیت شدند

رئیس‌جمهور گفت: باید دانشگاه آزاد را به یک دانشگاه واقعی تبدیل کرد. هاشمی رفسنجانی در این دیدار بر اهمیت اصلاح اساسنامه دانشگاه آزاد و تبدیل آن به یک دانشگاه واقعی تأکید کرد. او افزود: باید با اصلاح اساسنامه، استقلال دانشگاه را تضمین کرد و از وابستگی آن به دولت جلوگیری کرد.

### تحلیل موشکافانه واقعه کربلا در گفت‌وگو با کیهان با استاد شهیدی

رئیس‌جمهور گفت: باید دانشگاه آزاد را به یک دانشگاه واقعی تبدیل کرد. هاشمی رفسنجانی در این دیدار بر اهمیت اصلاح اساسنامه دانشگاه آزاد و تبدیل آن به یک دانشگاه واقعی تأکید کرد. او افزود: باید با اصلاح اساسنامه، استقلال دانشگاه را تضمین کرد و از وابستگی آن به دولت جلوگیری کرد.

## رییس‌جمهور: کسی حق ندارد از قانون عدول کند - نظر مقام معظم رهبری فصل الخطاب است

۰۳/۱۱/۱۳۸۶

رییس‌جمهور گفت: البته رعایت قانون اساسی وظیفه همه است و همه باید آن را رعایت کنند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) دکتر محمود احمدی‌نژاد در پاسخ به سوالی در ارتباط با نامه خود به حداد عادل و همچنین مرقومه مقام معظم رهبری در این ارتباط گفت: بنای من این نبود و نیست که وارد این مباحث شوم. قانون اساسی در کشور ما حاکم است باید همه تابع باشیم و نظر مقام معظم رهبری نیز همین است. رعایت قانون اساسی برای همه قوا و دستگاه‌ها لازم‌الاجرا است و ایشان تأکید کاملاً درستی در این ارتباط دارند و ما باید همه تبعیت کنیم.

وی گفت: من شنیده‌ایم که برخی در بعضی از رسانه‌ها حرف‌هایی زده‌اند که نه ربطی به نامه من به حداد عادل دارد نه مرقومه مقام معظم رهبری و برخی این‌گونه تلقی کرده‌اند که گویی قانون اساسی مشکل دارد.

احمدی‌نژاد ادامه داد: در صورتی که همه ما مجری قانون اساسی هستیم و باید قانون اساسی را اجرا کنیم، ممکن است در اجرای آن سلاخی گوناگونی وجود داشته باشد و با توجه به راهکارهایی که وجود دارد اگر اختلاف سلیقه‌ای وجود داشته باشد رفع می‌شود که یکی از آن‌ها توجه به فرمایشات رهبری است و نظر مقام معظم رهبری در این مسائل فصل الخطاب است و مشکلی باقی نمی‌ماند.

وی گفت: اتفاقاً قانون اساسی ما جزء مترقی‌ترین قوانین اساسی در دنیاست و همه ما به آن متعهدیم.

رییس‌جمهور ادامه داد: برخی فکر کردند که چه اتفاق مهمی رخ داده و خوراک ۱۰ - ۱۵ روز فراهم شده است. آن‌ها نیز اشتباه می‌کنند و برخی نیز در این راستا اظهارنظرهای منصفانه‌ای کردند. به فضل الهی در جمهوری اسلامی

## ایران آزادی در بالاترین حد خود قرار دارد و ما شاهد مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف و گوناگون هستیم و افراد حق دارند که اظهار نظر کنند.

احمدی‌نژاد خاطرنشان کرد: به هر طریق رییس‌جمهور در موضعی است که می‌تواند در مورد مسائل مختلف کشور نظرات خود را بیان کند و موضعی که در این‌جا مطرح شد اجرای همان فرآیند قانون اساسی است که مدنظر مقام معظم رهبری است و گرنه نه دعوی است، نه کشمکش و از این مکاتبات زیاد می‌شود. به هر حال افرادی که می‌خواهند کار کنند مسائلی پیش می‌آید که این مسائل را با یکدیگر حل می‌کنند.

به گزارش ایسنا احمدی‌نژاد در پاسخ به سوالی درباره اعتماد به نفس ملی گفت: پایه حرکت يك ملت اعتماد به نفس ملی است. يك ملت وقتی خود را باور نداشته باشد جایگاهی نخواهد داشت و له خواهد شد. امروز در مناسبات جهانی عزت ایران ناشی از اعتماد به نفس ملی است و باید این اعتماد به نفس را در تمام عرصه‌ها از جمله عرصه‌های علمی، اقتصادی، فرهنگی و سیاست خارجی حفظ کنیم. در واقع اعتماد به نفس ملی سوخت موتور حرکت ملت ایران است.

رییس‌جمهور ادامه داد: به فضل الهی امروز اعتماد به نفس ملت ما بالاست. مدعیان سیاست تلاش می‌کنند که دل ملت ایران را خالی کنند و در این ارتباط از موضوعات پیش پا افتاده استفاده می‌کنند؛ مثلاً وقتی سرمایه‌های سابقه می‌آید و ملت ایران همگی با اتحاد، تعاون و مدیریت خوب موضوع را با کمترین هزینه پشت سر می‌گذارند، این‌ها می‌آیند سرما را بهانه می‌کنند که بزنند توی سر ما. در حالی که این‌ها جایگاهی در بین ملت ایران ندارند. ملت ایران ملتی مستحکم و ریشه‌دار است.

وی در مورد حوادث غزه و جنایت‌های اخیر رژیم صهیونیستی گفت: ۶۰ سال است که ملت فلسطین در این شرایط به سر می‌برد که البته شدت و ضعف داشته است. رژیم صهیونیستی ضد انسانی‌ترین اقدامات را علیه مردم فلسطین در برابر چشم دنیا انجام می‌دهد و مدعیان حقوق بشر خفقان مرگ گرفته‌اند و حرفی نمی‌زنند. آن‌ها در واقع با این کار آبروی خود را می‌برند. متأسفانه آن‌ها در برابر حرکت‌های صلح‌آمیز، شفاف و درست ملت‌ها می‌ایستند و به ناحق از ابزار شورای امنیت استفاده می‌کنند ولی برای دفاع از حقوق ملت فلسطین کوچک‌ترین تحرکی را انجام نمی‌دهند و تحرکی از سوی آن‌ها مشاهده نمی‌شود. در واقع می‌توان این نتیجه را گرفت که آن‌ها با این سکوت و عدم حرکت‌شان شریک مجرمان و پشتیبان آن‌ها هستند و کسانی که امروز از این جنایت‌ها حمایت می‌کنند در پیشگاه ملت‌ها به محاکمه کشیده خواهند شد و این اتفاق خواهد افتاد.

رییس‌جمهور خاطرنشان کرد: جمهوری اسلامی ایران در منطقه تحرکات لازم را با انجام ریزنی‌هایی صورت داده است و خیلی از کشورها قول داده‌اند که همکاری کنند و ما از آقای حسنی مبارک نیز خواسته‌ایم که در بازگشایی راه رفح همکاری کند و تلاش شود که راه باز شود. ما تلاش می‌کنیم که وزرای خارجه کشورهای اسلامی جمع شوند، اجلاسی فوق‌العاده برگزار و این مسائل بررسی شود.

وی تأکید کرد: مبارزه ملت فلسطین يك مبارزه ۶۰ ساله است و باید برای ملت فلسطین دعا و از آن‌ها حمایت کرد.

به گزارش ایسنا، رییس‌جمهور در بخش دیگری از صحبت‌های خود گفت: در بودجه سال آینده مبنای دولت این است که نرخ خدمات دولتی را ثابت نگه دارد، یعنی خدماتی که دولت به مردم ارائه می‌دهد نرخش در سال آینده افزایش پیدا نکرده و معادل سال ۸۶ باشد.

وی همچنین در پاسخ به سوالی در مورد وضعیت سفرهای استانی، گفت: ان‌شاءالله هفته آینده بر اساس وضعیت هوا سفری خواهیم داشت و باید گزارش‌های هواشناسی را دید و تصمیم گرفت و ما سعی می‌کنیم به جایی برویم که باران مردم را اذیت نکند. ان‌شاءالله دعا کنید، وضعیت هوا خوب باشد، سفر استانی خواهیم داشت.

رییس‌جمهور در بخش دیگری از صحبت‌های خود با عرض تسلیت مجدد به مناسبت فرا رسیدن ایام محرم و صفر گفت: می‌خواهم در اینجا از احساس مسوولیتی که در این ارتباط وجود داشته است تشکر و قدردانی کنم. تنها راه نجات بشریت تمسک به فرهنگ اهل بیت و عاشورا است و فرهنگ حسینی زیباترین، انسانی‌ترین و پاک‌ترین فرهنگی است که می‌تواند در جامعه بشری حاکم شود و بشریت را از معضلات سنگینی که دچار آن است نجات دهد.

احمدی‌نژاد گفت: عاشورا شاید تنها رویداد انسانی و فرهنگی است که مردم بدون دخالت دولت و حکومت مراسم مربوط به آن را برگزار، سازماندهی و عملیاتی می‌کنند.

وي ادامه داد: مي‌خواستم صميمانه از ملت ايران و از همه كساني كه تلاش دارند اين مكتب راهگشا، درخشان‌تر از گذشته بر بام ايران استوار بماند، تشكر و از مسوولان هيات‌ها، مردم، عزاداران و تمام دست‌اندركاران و به خصوص از جوانان عزيز كه ميدان‌دار اصلي اين فرهنگ هستند، قدرداني كنم. معتقدم كه ملت ايران با تمسك به فرهنگ عاشورا پرچمدار عدالت، خداپرستي و پاكي در جهان است و ان‌شاءالله اين پرچمداري تا آخر حفظ خواهد شد.

رئيس‌جمهور گفت: مي‌خواهم تذكراتي را به همكاران خود در دستگاه‌هاي مختلف از جمله وزارتخانه‌هاي كشور، ارشاد، نيرو، آموزش و پرورش و همچنين نيروي انتظامي بدهم و همه بايد مراقب باشند تا در خدمت مردم باشند. ما خادم مردم هستيم و بايد به اين خادم بودن افتخار كنيم، مي‌ادا كسي به گونه‌اي عمل كند يا حرفي بزند كه در نقطه مقابل حركت ملت تلقي شود.

احمدي‌نژاد گفت: به ملت عزيز ايران نيز يادآوري مي‌كنم كه اين ذخيره عظيم را براي خود عزيز بدانند و در راستاي رودخانه زلال عاشورا حركت كنند.



### ۱، ۳، ۵ شما صلاحيت نداريد

گروه سياست: <داوطلب نمايندگي انتخابات هشتمين دوره مجلس شوراي اسلامي، سلام عليكم. احتراماً در اجراي ماده ۲۹ آيين‌نامه اجرايي، بدین وسيله به آگاهي مي‌رساند كه در جريان رسيدگي به صلاحيت داوطلبان نمايندگي هشتمين دوره مجلس شوراي اسلامي و به استناد بندهاي ۱ و ۳ و ۵ ماده ۲۸ قانون انتخابات صلاحيت شما احراز نگرديد...>

اين جملات بخشي از نامه‌اي بود كه روز سه‌شنبه براي داوطلبان رد صلاحيت‌شده ارسال شد. بررسي‌ها در همين باره نشان مي‌دهد كه بسياري از نامزدها به استناد همين ماده و بندهاي آن رد صلاحيت شده‌اند.

براساس ماده ۲۸ قانون انتخابات، انتخاب‌شوندگان هنگام ثبت‌نام بايد داراي شرايط زير باشند:

- ۱ - اعتقاد و التزام عملي به اسلام و نظام مقدس جمهوري اسلامي ايران.
- ۲ - تابعيت كشور جمهوري اسلامي ايران.
- ۳ - ابراز وفاداري به قانون اساسي و اصل مترقي ولايت مطلقه فقيه.
- ۴ - داشتن مدرک تحصيلي کارشناسي ارشد يا معادل آن.
- ۵ - نداشتن سوءشهرت در حوزه انتخابيه.
- ۶ - سلامت جسمي در حد برخورداري از نعمت بينايي، شنوايي و گويايي.
- ۷ - حداقل سن سي سال تمام و حداكثر هفتاد و پنج سال تمام.

برخي از نامزدها نيز به استناد ماده ۳۰ رد صلاحيت شده‌اند. ماده ۳۰ نيز تصريح دارد كه اشخاص زير از داوطلب شدن نمايندگي مجلس محرومند:

۱ - کسانی که در جهت تحکیم مبانی رژیم سابق نقش موثر داشته‌اند.

۲ - ملاکین بزرگ که زمین‌های موات را به نام خود ثبت کرده‌اند.

۳ - وابستگان تشکیلاتی و هواداران احزاب، سازمان‌ها و گروه‌هایی که غیرقانونی بودن آنها از طرف مقامات صالحه اعلام شده است.

۴ - کسانی که به جرم اقدام علیه جمهوری اسلامی ایران محکوم شده‌اند. ۵ - محکومین به ارتداد به حکم محاکم صالحه قضایی. ۶ - مشهورین به فساد و متجاهرین به فسق. ۷ - محکومین به حدود شرعی مگر آنکه توبه آنان ثابت شده باشد. ۸ - قاچاقچیان مواد مخدر و معتادین به این مواد.

۹ - محجورین و کسانی که به حکم دادگاه مشمول اصل ۴۹ قانون اساسی باشند. ۱۰ - وابستگان به رژیم سابق از قبیل اعضای انجمن‌های شهر و شهرستان و وابستگان به تشکیلات فراماسونری و هیأت‌رئیس‌ه کانون‌های حزب رستاخیز و حزب ایران نوین و اعضای فعال آنها، نمایندگان مجلسین سنا، شورای ملی سابق و مأموران ساواک.

۱۱ - محکومین به خیانت و کلاهبرداری، اختلاس و ارتشاء و غصب اموال دیگران و محکومین به سوءاستفاده مالی به حکم محاکم صالحه قضایی.

اما شواهد و قرائن و آمارهای نیمه‌رسمی گروه‌های اصلاح‌طلبان و حزب اعتماد ملی از رد صلاحیت اکثریت قریب به اتفاق کاندیداهای اصلاح‌طلب در سراسر کشور و نیز در تهران به استناد همین ماده و بندهای آن حکایت دارد. رد صلاحیت نامزدها به استناد ماده ۲۸ در حالی صورت می‌گیرد که برخی حقوقدانان و منابع مطلع ابراز عقیده می‌کنند که رد صلاحیت افراد به این استناد نشان‌دهنده این است که اصل بر عدم التزام نامزدها به اسلام و ولایت فقیه و قانون اساسی است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. در حالی که آمار و ارقام از رد صلاحیت زیاد داوطلبان اصلاح‌طلب انتخابات مجلس هشتم خبر می‌دهد علیرضا افشار معاون سیاسی وزیر کشور و رئیس ستاد انتخابات کشور به ایرنا گفت که رد صلاحیت‌شدگان برای اثبات صلاحیت خود و کسانی که عدم احراز صلاحیت به آنان اعلام شده است برای معرفی و شناساندن خود با مدارک مستند به هیات‌های نظارت شورای نگهبان استانی در مرحله اول و اگر نتیجه نگرفتند به هیات مرکزی نظارت شورای نگهبان مراجعه کنند. وی خاطر نشان کرد: وظیفه هیات‌های اجرایی در این دوره انتخابات، بررسی صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس هشتم در سه بخش <احراز صلاحیت‌ها>، <عدم احراز صلاحیت‌ها> و <رد صلاحیت‌ها> به پایان رسیده و این تفکیک برای حفظ آبروی افراد صورت گرفت.

رئیس ستاد انتخابات کشور با تاکید بر اینکه <عدم احراز صلاحیت> با <رد صلاحیت> تفاوت آشکاری دارد، بار دیگر به کسانی که از سوی هیات‌های اجرایی مورد شناسایی قرار نگرفته‌اند و صلاحیت آنها احراز نشده است، خاطر نشان کرد برای شناساندن خود با مدارک لازم به هیات‌های نظارت استان‌ها و یا مرکزی مراجعه کنند. افشار با تاکید بر اینکه هیات‌های اجرایی تلاش زیادی کردند تا آبروی افراد حفظ شود و کسی به دلیل عدم احراز صلاحیت، رد صلاحیت نشود، با اعلام عدم احراز صلاحیت، از اختلاط آمار آنان با رد صلاحیت‌شدگان جلوگیری کردند.

**معاون سیاسی وزیر کشور با تاکید بر اینکه مبانی بررسی صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس هشتم در هیات‌های اجرایی مواد ۲۸ و ۳۰ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی بوده است، گفت: افرادی که مشمول ماده ۳۰ قانون انتخابات شده و رد صلاحیت آنان اعلام شده معمولاً کسانی هستند که دارای مشکلات امنیتی و قضایی و سوءپیشینه بوده‌اند و مراجع ذیربط چهارگانه (وزارت اطلاعات، قوه قضاییه، نیروی انتظامی و سازمان ثبت احوال) اعلام کرده‌اند. با این سخنان به نظر می‌رسد افرادی که به استناد ماده ۳۰ رد صلاحیت شده‌اند، رد صلاحیتشان قطعی خواهد بود. وی در عین حال تصریح کرد که هیات‌های اجرایی با مجموع بررسی همه جوانب و از جمله استعمال‌های ارائه‌شده از سوی این مراجع نظر خود را به طور مستقل درباره هر یک از داوطلبان اعلام کرده‌اند. این در حالی است که وزیر کشور با اشاره به اینکه ممکن است در مواردی از بررسی صلاحیت‌ها در هیات‌های اجرایی دقت کافی صورت نگرفته باشد، اظهار امیدواری کرد با دقت هیات‌های نظارت، اگر کسی در مواردی مورد تایید است، تایید شود. مصطفی پورمحمدی که در حاشیه جلسه دولت در جمع خبرنگاران سخن می‌گفت، مشکل هیات‌های اجرایی را زمان کم برای بررسی صلاحیت‌ها عنوان کرد و گفت: مراجع استعلامی تقریباً به خاطر تعداد زیاد کاندیداها تا آخرین زمانی که داشتند، پاسخ‌ها را دادند که عملاً زمان بررسی صلاحیت‌ها توسط هیات اجرایی کوتاه شد و کار را برای رسیدگی مشکل کرد.**

## چه چیزی به نفع مصالح کشور است؟ - سرمقاله اعتماد ملی ۳ بهمن ۱۳۸۶

همان‌گونه که در سرلوحه روز قبل نگارش شد، این امیدواری وجود داشت که عملکرد هیات‌های اجرایی موجب افزایش هم‌آوایی، مشارکت گسترده‌تر و تضمین روح قانون باشد، اما با کمال تأسف براساس اخبار رسمی و غیررسمی اصلاح‌طلبان با رد صلاحیت‌های بسیار گسترده‌ای روبه‌رو شده‌اند.

این اخبار متناقض که مجموع شواهد گویای صحت آنها است، موجب تأسف و نگرانی است. هیات‌های اجرایی که معتمدین دولت نهم هستند، به گونه‌ای رفتار کرده‌اند که تنها می‌توان گفت دولت نهم تحمل‌ناپذیری خود را در مقابل نیروهای مستقل و اصلاح‌طلب و منتقدین خود نشان داده است. در دوره‌های قبلی هیات‌های نظارت بر انتخابات که عمدتاً زیر نظر شورای نگهبان فعالیت می‌کردند، دست به رد صلاحیت گسترده زده و در مقابل هیات‌های اجرایی مدافع حقوق مدنی و شهروندی داوطلبان و مردم بوده‌اند. حال این نگرانی وجود دارد که چنین در افکار عمومی القا شود که به دلیل ارتباط نزدیک و وثیق دولت با نهاد شورای نگهبان، هیات‌های منسوب به دولت درصدد فداکاری و تلطیف نقش شورای نگهبان هستند. یعنی آنکه از همان آغاز راه با حذف اکثریت کاندیداهای اصلاح‌طلب و مستقل، این امکان را به شورای نگهبان می‌دهند که حتی دست به بازسازی وجهه خود بزنند. به عبارت دیگر هزینه رد صلاحیت‌ها را هیات‌های اجرایی می‌دهند و در نهایت حتی شورای نگهبان می‌تواند تعدادی از رد صلاحیت‌شدگان را نیز تایید نماید. این عمل در جای خود عمل مستحسني نیز می‌باشد، اما شائبه رفتار سیاسی و تقسیم کار از پیش طراحی‌شده، بزرگ‌ترین لطمه‌ای است که می‌تواند به اعتبار و آبروی مکانیسم انتخاباتی کشور وارد آورد.

معلوم نیست این روند غلط و نامیمون تا کجا می‌خواهد تداوم یابد. اما در میان اخبار متناقض نام شخصیت‌ها و اسامی‌ای به گوش می‌خورد که سوابق درخشان و طولانی در انقلاب، جنگ تحمیلی، مدیریت نظام اسلامی، نمایندگی مجلس شورای اسلامی و توان علمی بالا دارند. چرا باید به دست خود کشور را از سرمایه‌ها و ارزش‌های معنوی آن محروم نماییم؟ نیروی انسانی تربیت‌شده در دوران انقلاب و نظام اسلامی، با پرداخت هزینه‌های هنگفت پرورش یافته است. کنار نهادن این حجم وسیع از دارایی‌های کشور در حکم خیانت به انقلاب اسلامی و میراث آن تلقی خواهد شد، مضافاً اینکه بخش وسیعی از رد صلاحیت‌ها متوجه کسانی است که سابقه تقلید، تبعیت، همراهی و ارادت خالصانه به معمار کبیر انقلاب اسلامی امام‌خميني(ره) را در سابقه خویش دارند.

با این شرایط نباید و نمی‌توان امیدوار به فراهم آمدن زمینه کامل مشارکت عمومی و حضور همه‌جانبه تمام ظرفیت‌های سیاسی و ملی کشور بود. در سالی که نام <اتحاد ملی و انسجام اسلامی> بر آن نهاده شده است، چنین رویکردی نقض غرض و متلاشی‌کننده اراده‌هایی است که دل در گرو همبستگی، همراهی، اعتماد ملی و اعتلای نظام اسلامی دارند.

با این همه در این میان دلسوزان کشور به دو نقطه همچنان امیدوارند و نظر دارند، نقطه اول شورای محترم نگهبان است که امیدواریم نقش و حضور خود را در احقاق حقوق تضییع‌شدگان نشان دهد و دومی رهبری معظم انقلاب است که می‌تواند از این خسران بزرگ جلوگیری کرده و آب‌های رفته را به جوی بازگرداند؛ اقدامی که به صلاح و خیر کشور و منافع آن است.

انتهاي خبر // روزنا - وب سایت اطلاع رسانی اعتماد ملی// [www.roozna.com](http://www.roozna.com)

## صلاحیت من و تو!

احمد شیرزاد

من صلاحیت ندارم، تو صلاحیت داری. من سیاهپوستم و تو سفید پوست. من اگر کاری انجام دهم بنا به خواسته دلم بوده و تو هر تصمیمی که بگیری بنا بر مصلحت و تدبیر است من اگر به عرصه سیاست بیایم قصدم قدرت طلبی است و تو اگر بیایی نیتی جز خدمت به خلق خدا نداری. من اگر برای ۵۰ نفر در یک محفل کوچک سخن بگویم جنجال تبلیغاتی به راه انداخته‌ام و تو اگر از رسانه میلیونی با صراحت مرا متهم کنی روشنگری کرده‌ای. من اگر جامعه را نسبت به خطرات پیش رویش هشدار دهم ذهن‌ها را مشوش کرده‌ام و تو اگر صداها و هزاران ایرانی را به بیگانه منسوب کنی مردم را بیدار کرده‌ای.

من ناحقم چون قدرتي غير از كلام ندارم و تو بر حقي چون از هر قدرتي براي اعمال نظراتت بهره مندي . من قابل اعتماد نيستم چون در حلقه قدرت جايي ندارم و تو با ورود در حلقه قدرت از هر پرسشي مصون هستي . من بايد تا فيها خالدون زندگي شخصي ام را براي توبازگو کنم و تو به صرف آنکه در حلقه ياران مورد اعتماد هستي زندگي ات دربرده است . من از فرديم نمي توانم ايمن باشم و تو براي جايگاه نواده هايتم برنامه داري .

به تو گفته اند حق داري صلاحيت مرا بررسي کني . به تو گفته اند اعتقاد مرا به اسلام اندازه گيري کني . به تو اين حق را داده اند که ميزان التزام عملي مرا به اسلام و نظام مقدس جمهوري اسلامي تعيين کني . مي گویند صلاحيت مرا بايد تو احراز کنی . يعني تو این حق را داری که تشخیص دهی من به اسلام اعتقاد و التزام عملي دارم یا نه . يعني تو این اختیار را داری که در ميزان وفاداري من به کشور تصميم بگیری . به تو این اجازه را داده اند که درجه پايبندي مرا به قانون تشخیص دهی . این نظام به تو حقي داده است که خداوند به پیغمبرش نداد .

اکنون تو در موضعي نشسته اي که ايمان يا بي ايماني مرا محک بزني . به ياد ندارم خداوند در هيچ فرازي به هيچ فرستنده اي اين حق را داده باشد که در اين دنيا انسانها را به مؤمن و غير مؤمن ، معتقد و غير معتقد ، ملتزم به اسلام و غير ملتزم به اسلام و... تقسيم کند .

اما چه کسي صلاحيت خودت را تأييد مي کند؟ تو خودت از کدام صافي عبور کرده اي که معلوم شده است به اسلام اعتقاد و التزام عملي داري ؟ چه کسي به تو تضميني داده است که نمازات مقبول است و نماز من نامقبول ؟ چه سندي به دست توست که جايگاه تو را نزد خداوند از من بالاتر تعيين کرده است ؟ خودت بهتر مي داني که با عبور از دالان قدرت و با ارتباط با صاحب قدرت بر آن صندلي قضاوت تکیه کرده اي . خوب مي داني که اگر حتي در چند محفل خصوصي زبان به انتقاد بگشايي آرام آرام ازليست معتمدین حذف مي شوي و ديگر بر آن مسند نخوایي بود . تو خودت خوب واقفي که در اين کشور با چه سرعتي هر سال عده اي را از قطار سياست پياده مي کندي . بنابر اين خوب مي داني که شرط سوار ماندن چيست . مي داني که در هر زمان بايد از چه کساني تبری بجويي و تلاش کنی با خشن ترين تدابير از آنها ياد کنی تا کسي در وفاداري تو شک نکند .

سي سال پيش همه با هم بر قطار انقلاب سوار شدیم تا از تاريخي يك نظام ديكتاتور غير پاسخگو به روشنايي يك نظام مردم سالار و شفاف سفر كنيم . نمي دانم در آن زمان تو كجا بودي ، كناري ايستاده و تماشا مي كردي ، يا مثل امروز معتقد بودي که هر چه حکومت انجام مي دهد خدشه ناپذير است ؟ شايد اصلاً به اين دنيا نيامده بودي و شايد مثل من به فردهاي روشني در پرتو يك نظام سياسي مردم سالار و اخلاقي فکر مي كردي . ما همه با هم از كوچه ها و خيابانهاي شهر گذر كرديم و در دالان تاريخي نه چندان طولاني سه دهه از عمرمان را گذرانديم . اکنون تو راهت را چنان تنظيم كردي که در پشت ميزي بنشيني و در مورد ايمان و اعتقاد من تصميم بگيري و من به راهي رفته ام که براي ملاقات با تو بايد بيرون بایستم تا حاجب از تو کسب تکلیف کند .

درست است که برادر ، راه ما از هم فاصله دارد . تو معتمدي در اين کشور کساني برات پاكي و تقوای خود را از خود خدا گرفته اند و من معتقدم انسانها با هر پيشينه اي در هر موقعيتي بري از خطا نيستند . تو بر اين تصوري که هر چه از ناحيه حاکمان رسد عين حق است و من معتقدم حاکمان عميقاً به نصيحت و هشدار ما نياز مندند . تو بر اين گمانی که همین که نام اسلام بر يك نظام نهاده شد رفتارها و اخلاق ها اسلامي است و من فکر مي کنم وراي ظواهر اسلامي اين رعايت انصاف و عدالت است که ضامن حرکت صحيح يك نظام خواهد بود .

آري من و تو با هم فرق داريم ، زياد هم فرق داريم . من پس از انقلاب به اينصورت بودم که بايد گام به گام يك نظام سالم و صالح را پي ريزي کرد و تو فکر مي كردي که هر چيز که بر آن نام انقلاب حك شده بود مصون از هر نوع فساد .

من بر اين گمان بودم و هستم که کشور همواره نياز به اصلاح و ساماندهي دارد و تو بر اين تصوري که ما در ايده آل ترين نظام سياسي چه نيازي به تغييرات داريم . من از آن آغاز نتوانستم به راحتی چشم را به روي ناراستي ها ببندم و تو چشم ات را به بالا دست دوختي که از کدام مسير بروي تا کسي از تو رنجيده نشود . من نگرانم که قطار مملکت از خط خارج نشود و تو دلواپسي که تو را از قطار پياده نکنند . من وقتي ببينم مرکب کشور مسير را به خطا مي رود فرياد مي زنم و تو با تمام قوا مراقبي که از مرکب به زمين نيفتي .

آري برادر ، تو چاره اي نداری که مرا رد صلاحيت کنی وگر نه خودت پس از چندي رد صلاحيت مي شوي . من و تو قرانت هاي متفاوت و متضادي از وفاداري به نظام داريم . من گفتن انتقادات ، نصيحتها و هشدارها را با تمام تلخي شان مصداق وفاداري به کشور و نظام مي دانم و تو نگرانی که کسي بر تو اخم کند . من متقابلاً صلاحيت تو را براي اداره کشور رد مي کنم . ايران ما در آستانه فرازي خطير از تاريخ خويش به مردان و زنان شجاع و از خود گذشته

نیاز دارد تا با تدبیری مضاعف دهه ها و قرن ها عقب ماندگی و توسعه نیافتگی را جبران کند . بی انصافان و عدالت شکنانی که در مسند قدرت تنها به دنبال راهی برای حذف دیگران و ابدی کردن قدرت خود هستند هرگز صلاحیت نشستن بر جایگاههای مدیریت این جامعه را ندارند . البته اگر کسانی رأی خود را بر ملت مقدم نمی پنداشتند آنگاه مردم به بهترین وجه معین می کردند که چه کسی صلاحیت دارد و چه کسی بی صلاحیت است ؟

۴ بهمن ۸۶

## نامه اعتراض آمیز نامزد رد صلاحیت شده مجلس هشتم

مزروعی: چه معصیتی بالاتر از این است که مسلمانی را به نامسلمانی متهم و او را از حقوق اساسی اش محروم کنید؟ اعلام آمادگی نرووز جهت انتشار نامه های اعتراض تمامی نامزدهای اصلاح طلب رد صلاحیت شده

نوروز: در پی رد صلاحیت گسترده نامزدهای جبهه مشارکت و اصلاح طلب در سراسر کشور این نامزدها در نامه های اعتراض خود را نسبت به عملکرد يك سوپیه و سوء هیات اجرایی اعلام کردند.

علی مزروعی عضو دفتر سیاسی جبهه مشارکت و نماینده مجلس ششم که جزو رد صلاحیت شدگان این دوره انتخابات است در نامه ای به هیات نظارت استان تهران اعتراض خود را با ارائه دلایل اعلام کرده است.

متن نامه مزروعی به شرح زیر است:

بسمه تعالی

هیات محترم نظارت بر انتخابات استان تهران

سلام علیکم ، احتراماً عطف به نامه شماره ۱۱۱۱ / م / ۸ به تاریخ ۱۳۸۶/۱۱/۰۲ معاون استاندار و فرماندار تهران مبنی بر رد صلاحیت اینجانب برای نامزدی نمایندگی هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی به استناد بند ۱ و ۳ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی ، بدینوسیله و با استناد به تبصره ماده ۵۱ این قانون و ماده ۳۰ آیین نامه اجرایی انتخابات اعتراض و شکایت خود را نسبت بدین موضوع اعلام داشته و با توجه به توضیحات ذیل درخواست رسیدگی و اعلام صلاحیت دارم :

۱- اعلام رد صلاحیت اینجانب به استناد بند ۱ ماده ۲۸ یعنی « اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران » وجه عرفی ، شرعی و قانونی ندارد و اگر آنرا تهمت و اتهامی به غایت نادرست (که تبعات حقوقی برای نسبت دهندگان دارد) ندانم قطعاً نسبتی نارو است ! بنده در خانواده ای متدین و مذهبی و زحمتکش زاده شدم و تا آنجا که بیاد می آورم به انجام احکام و فرایض اسلامی پایبندی داشته و در گذر عمر بر عمق اعتقاد و باورم به آموزه های دینی افزوده شده است . در باره اعتقاد و التزام عملی به « نظام جمهوری اسلامی ایران » نیز خداوند این توفیق را به من داده که از جوانی در متن مبارزه با رژیم طاغوت پهلوی به رهبری امام خمینی (ره) قرار گیرم و برای پیشبرد انقلاب اسلامی و برپایی این نظام و حفظ آن تا مرز شهادت (تیر خوردن در تظاهرات قبل از انقلاب و حضور داوطلبانه در جبهه های جنگ تحمیلی پس از انقلاب ) به پیش روم و در همه بررسی تعیین نوع نظام در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ به « جمهوری اسلامی ایران » رای دادم و در حد وسع و توان خود در سال های پس از انقلاب در مسئولیت های گوناگون بدین نظام خدمت نموده ام . بر پایه این سابقه برایم بسیار عجیب و غریب می نماید چگونه اعضای محترم هیات اجرایی مرکز حوزه انتخابیه تهران- ری- شمیرانات و اسلامشهر ، که بنده هیچیک آنها را از نزدیک نمی شناسم اما بنا به تعریف قانون باید از معتمدین و متدینین باشند و به آداب و اخلاق دینی مقید و ملتزم ، به خود اجازه داده اند که مرا در شمول این بند قرار داده و رد صلاحیت کنند؟ همانگونه که رهبر کبیر انقلاب فرمودند : " عالم محضر خداست ، در محضر خدا معصیت نکنید " ، و چه معصیتی بالاتر از این می تواند باشد که مسلمانی را به نامسلمانی متهم و او را از حقوق اساسی اش محروم کنند؟ و من داوری نهایی در این باره را به خدا می سپارم و قطعاً همه ما باید روزی در پیشگاه خدا و دادگاه عدل الهی نسبت به اعمالمان پاسخگو باشیم .

۲- اعلام رد صلاحیت اینجانب به استناد بند ۳ ماده ۲۸ یعنی « ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل متری ولایت مطلقه فقیه » نیز وجه و مستند قانونی ندارد . من به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ رای دادم و

پس از بازنگری و اصلاح آن در سال ۱۳۶۸ نیز بدان رای دادم. هر چند من نمی دانم اعضای هیات اجرایی با چه متر و معیاری ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل متری ولایت مطلقه فقیه را اندازه گیری کرده و بنده را فاقد آن دانسته اند اما من در برگه های ثبت نام برای داوطلبی نمایندگی مجلس نسبت بدین موضوع اعلام نظر و تعهد نموده ام و از آنجا که عملی نافی این نظر و تعهد در زندگی ام نمی بینم لذا تمسک به این بند را نیز رد نموده و خود را واجد صلاحیت برای نامزدی نمایندگی مجلس می دانم.

۳- برپایه مصوبه مورخ ۷۸/۸/۲۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام درخواست دارم به صورت کتبی دلایل و مدارک رد صلاحیت را به اینجانب ارائه دهید. درعین حال آمادگی خود را جهت حضور در جلسه هیات نظارت برای هرگونه توضیح و دفاعی اعلام می دارم. و از آنجا که بر پایه آموزه های دینی و اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حق نامزدی نمایندگی مجلس و انتخاب شدن را جزء حقوق مسلم و اساسی شهروندان و خودم می دانم و محروم شدن از این حق را جز بر پایه مدارک و مستندات مستدل و قانونی، غیرقانونی و بلاوجه و سلیقه ای می دانم لذا درخواست دارم بدون هرگونه ارفاق و ملاحظه ای نسبت به بنده، مدارک و مستندات رد صلاحیت را در اختیار رسانه های عمومی برای انتشار قرار دهید تا از این طریق به شفاف سازی فضای سیاسی و انتخاباتی و سالم و قانونی بودن روند رسیدگی به موضوع صلاحیت ها و عدم مداخله نگرشها و سلیق سیاسی در امر بزرگ انتخابات کمک شود و راه هرگونه سوء استفاده و شائبه را در داخل و خارج کشور نسبت بدین موضوع ببندد. مطمئن باشید گردن امثال بنده در برابر رفتار های قانونی مثل موپاریک است اما آموزه های اسلامی و سنت و سیره نبوی و علوی (که البته هیات اجرایی مرا به عدم اعتقاد و التزام بدان متهم نموده است!) به من آموخته است که در مقابل رفتارهای غیر قانونی و خلاف عرف و مروت سکوت نکنم و برای احقاق حق خود به هرگونه که بتوانم اقدام کنم.

رجبعلی مزروعی فرزند رمضان  
داوطلب نمایندگی انتخابات هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی  
حوزه انتخابیه تهران-ری-شمیرانات و اسلامشهر  
۸۶/۱۱/۴

نشریه روزنامه اعتماد - ۴ بهمن ۸۶

## بهبزاد نبوی با اشاره به رد صلاحیت: تصمیم نهایی خود را برای حضور در انتخابات بزودی اتخاذ می کنیم

روزنامه اعتماد - گروه سیاسی، ایرج جمشیدی- زهره آقایی: حضور یا عدم حضور اصلاح طلبان در انتخابات موضوعی است که آن را طی گفت وگویی مفصل با بهزاد نبوی یکی از اعضای شاخص ستاد ائتلاف اصلاح طلبان در میان گذاشته ایم. آنگونه که نبوی به کنایه هم می گوید باید منتظر ماند و دید تعداد کشته ها و زخمی های اصلاح طلبان چقدر است و آیا امکان حضور در انتخابات را داریم یا خیر؟ نبوی همچنین به اتهاماتی که اخیراً علیه جریان اصلاح طلب مطرح شده پاسخ می دهد و به تبیین استراتژی نهایی اصلاح طلبان می پردازد. گفت وگو با نبوی را می خوانید.

چندی است که اتهامات شدیدی علیه کلیت جبهه اصلاحات مطرح است و در راس آن بعضی ها صحبت هایی مبنی بر اینکه امریکایی ها یا شخص بوش از جناح اصلاح طلب حمایت می کنند این را به عنوان یک ضعف در مورد اصلاح طلبان مطرح کردند و این موضوع را به عنوان عاملی برای ردصلاحیت ها قرار داده اند، ارزیابی شما به عنوان یکی از شخصیت های مطرح جناح اصلاح طلب در این خصوص چیست؟

با تشکر از روزنامه اعتماد که این فرصت را به من داد تا بار دیگر با خوانندگان محترم گفت وگویی داشته باشم و نظراتم را به استحضار آنها برسانم. اولاً سیاست های کسانی که این مسائل را مطرح می کنند دوگانه و متناقض است. وقتی گزارش سازمان های اطلاعاتی امریکا منتشر می شود و در بدو امر احساس می کنند به نفع آنهاست به عنوان یک پیروزی بزرگ از آن اسم می برند و آن را بزرگ ترین پیروزی در صد سال اخیر برای ملت ایران می دانند و هرگز چنین سوالی مطرح نمی شود که چرا سازمان های اطلاعاتی «دشمن» به سود آنان گزارش داده اند و وقتی



موردی نظیر اظهارات آقای بوش در مورد اصلاح طلبان به میان می آید چون فکر می کنند می توانند در جهت ضربه زدن به اصلاح طلبان از آن بهره ببرند، مانور روی آن را شروع کرده و علیه اصلاح طلبان موضع گیری می کنند. به خاطر دارم در انتخابات مجلس چهارم دولت وقت امریکا موضع گیری هایی در حمایت از جناح راست آن زمان کرد که در مقایسه با اظهارات اخیر آقای بوش بسیار صریح تر و مستقیم تر بود، اما هیچ اعتراضی از سوی حضرات نشد. گذشته از این، تصور من این نیست که مرجع ضمیر سخنان بوش اصلاح طلبان- به قول مخالفان، اصلاح طلبان حکومتی-باشد، اگر نظر بوش نسبت به اصلاح طلبان مثبت بود وقتی آقای خاتمی رئیس جمهور و مجلس ششم در اختیار اصلاح طلبان بود، ایران را محور شرارت معرفی نمی کرد. تصور می کنم حمایت رئیس جمهور امریکا بیشتر کسانی را شامل می شود که با صدای امریکا در ارتباطند و دنبال جلب حمایت خارجی برای تغییر در اوضاع داخلی کشور هستند و نه کسانی که تمام جان و مال و همه چیز خود را وقف انقلاب و جنبش اصلاحی مردم کرده اند و به رغم تمامی تهدیدها و فشارها بدون اتکا به بیگانه استوار ایستاده اند و برای تثبیت و نهادینه کردن شعارهای اصلی انقلاب اسلامی و جنبش اصلاحی مردم ایران مبارزه می کنند. این جنجال ها و هیاهو هایی که به پا می شود کاربرد تبلیغاتی در آستانه انتخابات دارد و همه تهمت ها و تهدیدهایی که مطرح می شود نشان دهنده شرایط نامطلوب طرف مقابل است و مخالفان اصلاحات برای حل مشکلات خود سعی می کنند رای اصلاح طلبان را در این ماه های آخر قبل از انتخابات به هر شکلی کاهش دهند و محبوبیت آنها را کاهش دهند. گذشته از همه این مباحث اصلاح طلبان کسانی نیستند که با اتکا به حمایت خارجی بخواهند مشکلات داخلی کشور را حل کنند. اصلاح طلبان مفتخرند که در چارچوب قانون و با طرح شعارهای انقلاب و جنبش اصلاحی در مقابل حاکمیت یکه سالاری ایستاده اند و به یاری حق و پشتیبانی ملت از هر نوع حمایت خارجی بی نیازند.

-یعنی شما با هر نوع دخالت خارجی در امور داخلی از جمله همین مباحثی که تحت عنوان نظارت بین المللی بر انتخابات مطرح می شود موافق نیستید؟

ما به طور کلی به اصلی به عنوان حاکمیت ملی کماکان اعتقاد داریم. ما معتقد نیستیم در مسائل مربوط به حاکمیت ملی قدرت های خارجی باید دخالت کنند. انتخابات امری مربوط به ملت ماست و ملت ما هم اگر توان و قدرت داشته باشد، که دارد، به یاری خدا آزادی انتخابات را تضمین می کنند و نیازی به کمک خارجی ندارد و کمک خارجی هم برای حل مشکل ما و هیچ ملت دیگری راهگشا نیست. یا ما می توانیم با اتکا به توان ملی خودمان انتخابات آزاد برگزار کنیم یا نمی توانیم که اگر نتوانستیم قدرت خارجی هم در این زمینه نمی تواند کاری صورت دهد. لذا ما به اصل حاکمیت ملی که البته بعد از تک قطبی شدن جهان و فروپاشی نظام دوقطبی، زیر سوال قرار گرفته است قویاً اعتقاد داریم و معتقد هستیم مسائل مربوط به درون یک کشور و یک نظام ارتباطی به قدرت های خارجی و کشورهای دیگر ندارد، به همین دلیل با هر نوع مداخله خارجی در امور داخلی مخالفیم. اما این بدان معنی نیست ما امور داخلی را مطلوب ارزیابی می کنیم و معنی آن این نیست که انتخابات کشور ما بهترین انتخابات است و معتقد نیستیم هیچ وقت در جریان انتخابات در کشور مشکل و تخلفی وجود نداشته است، بلکه معنی مخالفت با مداخله خارجی این است که ما خودمان باید این مشکل را با دست خودمان حل کنیم و نه توسط قدرت های خارجی، سازمان های بین المللی و هر قدرت دیگری نظیر اینها.

-حتی اگر مثلاً انتخابی نظیر انتخابات مجلس هفتم برگزار شود که شما از آن کناره گیری کردید؟

بله، ما در همان زمان هم به هیچ مرجعی جز مردم و نهادهایی که مربوط به کار انتخابات بود مراجعه نکردیم. ما به وزارت کشور و شورای نگهبان رجوع کردیم و اعتراضاتمان را با آنها مطرح کردیم و با مردم مسائلمان را در میان گذاشتیم.

-اگر به نتیجه نرسیدید چه؟

نرسیم، آنقدر باید تلاش کنیم تا بالاخره زمانی به نتیجه برسیم. مگر کسانی که توسط قدرت های خارجی دگرگونی ایجاد کردند به نتیجه رسیدند؟ مگر امروز عراق به نتیجه رسیده است؟ خوب با اتکا به قدرت خارجی رژیم صدام تغییر کرد، ولی به نتیجه مطلوب نرسیدند.

-در حال حاضر تحلیلی ارائه می شود که فرضاً عملکرد بعضی از نهادهای مسوول در رداصلحیت یک جناح خاص و برخی از گروه های سیاسی در تحریک همین گروه های داخلی به رغم میل باطنی آنها بی تاثیر نیست. شما این تحلیل را قبول دارید؟

این مسائل همیشه مطرح بوده است و حتی در انتخابات هفتم هم همین طور بود، ردصلاحیت بیش از ۳۵۰۰ نفر داوطلب نمایندگی مجلس توسط شورای نگهبان مگر کار کمی است؟

-وارد مقوله وضعیت انتخاباتی جناح اصلاح طلب می شویم. شما در قالب ستاد ائتلاف اصلاح طلبان فعالیت انتخاباتی را پیش می برید. می خواستیم بدانیم شما کلاً سیاست کاربردی تر و عملی تری را اتخاذ کرده اید که شبیه مجلس هفتم نیروهایتان با ردصلاحیت گسترده مواجه نشوند؟

خط مشی که ستاد ائتلاف در این انتخابات پیش گرفته است و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی هم آن را تایید می کند این است که در مرحله ثبت نام تلاش شود ثبت نام حداکثری انجام شود. یعنی همه کسانی که خود را واجد شرایط برای نامزدی انتخابات مجلس می دانستند حتماً ثبت نام کنند. سازمان در این زمینه بیانیه داد و همه را تشویق و دعوت به ثبت نام کرد. ما نفس ثبت نام را بخشی از مبارزه انتخاباتی می دانستیم و بر همین اساس از شخصیت ها و گروه های سیاسی مستقل و اصلاح طلب درخواست کردیم فعالانه در این زمینه حضور یابند. **استدلال ما این بود که از نتیجه عملکرد دستگاه های اجرایی و نظارتی بی اطلاع هستیم و نمی دانیم آنها تا چه حد قصد دارند ردصلاحیت ها را گسترده کنند. اگر حرکتی مانند انتخابات مجلس هفتم شود که به قول رئیس جمهور وقت با رد صلاحیت های برنامه ریزی شده تکلیف ۱۹۰ کرسی از قبل روشن شده باشد دیگر رقیبی در میدان نخواهد ماند و عملاً نامزدهای دلخواه جناح مقابل انتخاب خواهند شد. ما چون نگران تکرار چنین مشی بی در انتخابات مجلس هشتم بودیم نهضت ثبت نام را پیشنهاد کردیم. ستاد ائتلاف هم این پیشنهاد را داد. خوشبختانه در بسیاری از شهرستان ها و استان ها ثبت نام به شکل گسترده انجام شد. با این اقدام دست ما باز است. تلاش ما این است که در انتخابات شرکت کنیم. وقتی در انتخابات حضور پیدا نمی کنیم که امکان رقابت انتخاباتی از ما سلب شود.**

-یعنی کاندیدایی برایتان باقی نمانده باشد؟

بله، یعنی نتوانیم وارد عرصه رقابت شویم. اگر ما ببینیم تکلیف ۱۹۰ کرسی از قبل روشن شده است فقط می شویم هیزم تنوری که آقایان قصد دارند در آن برای خود نان بپزند. تلاش ما برای ثبت نام گسترده واجدین شرایط به همین دلیل بود که می خواستیم بعد از مرحله تایید صلاحیت ها ببینیم تعداد «کشته ها و زخمی ها»، چند نفر است و چند نفر در صحنه باقی مانده اند و ببینیم براساس آنها می توان لیست اصلاح طلبان را بست یا خیر. حالا باید جلو رفت و دید که نتیجه کارهای هیات های اجرایی و نظارت چه خواهد بود؟ اگر نظیر مجلس هفتم باشد طبیعی است که امکان بستن لیست برای ما باقی نمی ماند.

-این یک پیام است برای کسانی که مسوول بررسی صلاحیت نامزدها هستند؟

آنها که اهل دریافت پیام نیستند، ولی این یک استراتژی برای خودمان است که دست مان خالی نباشد. تعداد زیادی ثبت نام کنند که هر تعدادی را هم ردصلاحیت کنند امکان حضور وجود داشته باشد. بعضی ها تصورشان این است که اگر همه واجدان شرایط از اصلاح طلبان را ردصلاحیت کنند، خوب است و ما در انتخابات شرکت نمی کنیم، اما بعد چه می شود؟ دوباره چهار سال دیگر. باید معطل شویم تا فرصت دیگری به عنوان انتخابات مجلس پیش بیاید تا بتوانیم شرکت کنیم. لذا ما نباید این فرصت ها را از دست بدهیم و باید تلاش کنیم از این فرصت ها بهره ببریم. برای اینکه بتوانیم از این فرصت انتخابات استفاده کنیم سعی ما این است که تعدادی را معرفی کنیم که دیگر دستگاه های اجرایی و نظارتی امکان ردصلاحیت شان را نداشته باشند. اگرچه ما تمام ردصلاحیت ها را غیرقانونی می دانیم. البته ممکن است طرف مقابل همه را ردصلاحیت کند.

- یعنی شما نهضت ثبت نام را شروع کردید، آنها نهضت ردصلاحیت را؟

بله.

- آنها این جریان را در موضع گیری هایشان اعلام کرده اند؟

بله. این بحث هایی که آغاز شده در مورد همه اصلاح طلب ها است (حتی نه به اصطلاح خودشان «تندرو») و در روزنامه هایشان کل اصلاح طلب ها را جاسوس و وابسته به بیگانه معرفی کرده اند. اینها مقدماتی است برای اینکه هر کسی به هر شکلی با اصلاح طلب ها مربوط است ردصلاحیت شود. اما ما امیدواریم که عقل در تصمیم گیری ها حاکم باشد و این اتفاق نیفتد.

چرا وارد رایزنی های جدی نمی شوید؟ شما می گوئید ما اطلاع نداریم. پس این یک ضعف محسوب می شود.

رایزنی جدی یعنی چه؟

بالاخره در مملکت نهادهای مسوول وجود دارند، حالا ممکن است شما نتوانید خیلی مستقیم با آنها ارتباط پیدا کنید ولی آیا کسانی نیستند مانند آقای خاتمی که خلاء اطلاعاتی شما را پر کنند؟

بله، این کارها انجام می شود ولی آقای خاتمی هم در جریان تصمیم نهایی این مجموعه قرار نخواهد گرفت. در دوره هفتم به آقایان خاتمی و کروبی اعلام شده بود که هفت الی هشت نفر از مجلس ششم رصلاحیت خواهند شد و با بقیه کسی کاری ندارد، ولی در عمل بیش از ۳۵۰۰۰ نفر رصلاحیت شدند که در بین آنها بیش از ۸۰ نماینده مجلس ششم بود. یعنی رایزنی ها خیلی نمی تواند اصلاح طلبان را در جریان مسائل پشت پرده قرار دهد. می شود رایزنی و ابراز نگرانی کرد، می توان توصیه کرد به اینکه دقت شود که رصلاحیت انجام نشود، همه این کارها را می توان کرد، ولی اینکه نتیجه بدهد یا ندهد خیلی معلوم نیست. این نوع رایزنی ها در حال حاضر هم انجام می شود.

یعنی نتیجه بی گرفته اید یا قولی دریافت کرده اید؟

اصلاً کسی نمی تواند قول بدهد. شورای نگهبان به ظاهر یک مجموعه مستقل است و تصمیم گیری هایش تابع رای اکثریت است و رای اکثریت هر چه باشد آن تصمیم شورای نگهبان می شود. علی الظاهر کسی از قبل نمی تواند تصمیم آنها را پیش بینی کند و کسی از قبل نمی تواند قول بدهد. شکل ظاهری و قانونی موضوع همین است و بیشتر از این هم نمی توان جلو رفت، اگر بیشتر از این جلو برویم گفته خواهد شد کسی اجازه دخالت در کار شورای نگهبان را ندارد،

- آیا این امیدواری شما به عقل گرایی گروه ها و مسوولان در خصوص بررسی صلاحیت ها می تواند منجر به نتیجه عملی شود؟

ما به عنوان یک جریان اصلاحی مسیرمان برای تغییر وضع موجود به وضع مطلوب مسیر شرکت در انتخابات است. برای تبدیل وضع موجود به وضع مطلوب در جهان سه راه بیشتر متصور نیست. ۱- انقلاب ۲- توسل به قدرت خارجی مثل اتفاقاتی که در افغانستان و عراق رخ داد ۳- حرکت اصلاحی. ما که جزء دسته سوم هستیم و معتقد به دو روش دیگر نیستیم، به اصلاحات متوسل شدیم. اصلاحات یک حرکت قانونی، تدریجی و مسالمت آمیز و مردمی برای تبدیل وضع موجود به وضع مطلوب است. چگونه این حرکت را انجام دهیم؟ با شرکت در انتخابات خبرگان، ریاست جمهوری، مجلس و شورای شهر. چهار رکن که در این کشور با رای مردم، اعضایش انتخاب شوند و وظایف خود را اعمال کنند. ما راه مان این است که در انتخابات شرکت کنیم نه اینکه حالا که نتوانستیم به درستی رایزنی کنیم کنار بکشیم.

- خیر منظور این نیست. از قضا من معتقدم باید طوری عمل شود که حتماً حضور داشته باشیم. یعنی طرف مقابل را در شرایطی قرار دهیم که نتیجه بگیریم.

نمی توانیم این اجبار را به وجود آوریم چون طرف هم با اتکا به قدرت های در اختیار، خود را در موضع برتر می بیند و امکان اینکه طرف را در موضع اجبار قرار دهیم وجود ندارد. قدرت ما، قدرت قانون و مردم است. البته اگر آنها عاقلانه فکر کنند به این نتیجه می رسند که حتی حفظ امنیت ملی کشور در گرو یک انتخابات سالم، آزاد و رقابتی است. انتخابات قانونی آزاد، سالم و رقابتی است که می تواند امنیت کشور را هم تضمین کند. همانطور که دوم خرداد ۷۶ توانست خیلی از خطرات را رفع کند. اگر این حرف را بفهمند آنها هم در سلیقه بی کردن انتخابات محدودیت خواهند داشت.

- منظور من هم از ایجاد شرایطی برای طرف مقابل به وجود آمدن رخدادی مانند رخدادهای دوم خرداد سال ۱۳۷۶ است. به این معنا که یک نوع نارضایتی نسبی در افکار عمومی وجود داشت و همین به یک ابزار فشار تبدیل شد که تا چند انتخابات بعدی هم تکرار شد.

طرف مقابل در دوم خرداد ۱۳۷۶ هم تحت همان شرایط از موضعش عدول نکرد.

- ولی بالاخره نتیجه را پذیرفت.

شما شاید به خاطر ندارید چون از ۱۳۷۶ تاکنون ۱۰ سال گذشته است. در خرداد ۱۳۷۶ شوراي نگهبان حتي اسامي نامزدها را به ترتيب حروف الفبا نداد. در مقابل اعتراضات به اين موضوع عذر بدتر از گناه آورد و اعلام کرد ما به ترتيب رايي که نامزدها در شوراي نگهبان کسب کردند اسامي شان را منتشر کرده ايم بر اين اساس آقاي خاتمي در اواخر ليست نامزدها قرار گرفته بود، و به اين ترتيب خواستند به مردم بفهمانند شوراي نگهبان مخالف خاتمي است، يعني آنها تا آخرين لحظات با هر تواني که داشتند تلاش کردند آقاي خاتمي انتخاب نشود.

- خب نتیجه آن چه شد؟

خب حضور مردم باعث آن نتیجه شد. الان اگر شما بتوانيد مردم را بسپج کنید، همان اتفاق خواهد افتاد. هر چند ۹۰ درصد نامزدهاي شما ردصلاحيت شوند باز همان ۱۰ درصد انتخاب خواهد شد و به مجلس خواهد رفت، ولي اين ربيطي به تعامل با طرف مقابل يا وادار کردن طرف مقابل ندارد. شب انتخابات دوم خرداد يعني پايان اخذ راي تعدادي پيشنهادهاتي دادند که البته امکان پذير نشد. اگر به خاطر داشته باشيد صدا و سيما تا ۸ صبح نتیجه آرا را اعلام نمي کرد. فقط وقتي اعلام کردند که تعداد راي هاي آقاي خاتمي سه چهار برابر نامزد دوم بود، ديگر نمي شد کاري کرد و حتي کساني اگر راي ها را آتش مي زدند آنقدر تعداد آرا و اختلاف زياد بود که امکان تغيير نتايج وجود نداشت. آن شرايط اگر پيش بيايد، طرف مقابل تحت فشار آن شرايط تسليم خواهد شد.

- ارزيابي شما با توجه به عملکردي که جناح حاکم داشته چيست؟ اين نمي تواند خود به خود شرايطي براي پيروي نسبي اصلاح طلبان باشد؟

به طور کلي حملات تند و شديد و بي سابقه يي که عليه اصلاح طلبان مي شود و از دو ماه قبل شروع و در ۲۰ روز اخير تشديد شده است، اتهاماتي نظير جاسوسي و غيره که به کل اصلاح طلب ها وارد مي شود خشم شديد مخالفان اصلاحات حتي از ثبت نام اصلاح طلبان و نه از شرکت آنها در انتخابات و توصيه به عدم ثبت نام و حتي تهديد زودهنگام به رد صلاحيت شان توسط مراجع غيرمرتبط که شما اصلاً غلط کرده ايد ثبت نام کرده ايد صلاحيت تان را رد مي کنيم و پدريتان را هم درمي آوريم، همه اينها حداقل نشانگر نگراني طرف مقابل از اقبال مردم به اصلاح طلبان است و به همين دليل قصد دارند گزینه بعدي و آلترناتيو يي را که ممکن است مدنظر مردم باشد از حالا به شدت مورد تهاجم قرار دهند که نتوانند وارد عرصه رقابت شوند چون ما اطلاعات دقيقي از مواضع مردم نداريم و نظرسنجي هاي محدود يي انجام داده ايم و هنوز براي ما توان کافي براي ارزيابي مواضع مردم ايجاد نشده است، ولي همين که طرف مقابل مان، اين همه عصباني و حساس است نشان مي دهد که اقبال مردم نسبت به جريان حاکم کاهش پيدا کرده و احتمالاً نسبت به جريان اصلاحي اين اقبال افزايش يافته است. به خاطر دارم پيش از انتخابات شوراي دوم يا حتي پيش از انتخابات مجلس هفتم بسياري به ما مي گفتند؛ «شرکت در انتخابات چه فايده يي دارد؟ حالا فرضاً دو دوره آقاي خاتمي رئيس جمهور شد و مجلس ششم در اختيار اصلاح طلبان بود، مگر چه کار توانستيد بکنيد که حالا ما دوباره در انتخابات شرکت کنيم؟ کاري که از دست شما برنمي آيد.» اما امروز با هر کسي که صحبت مي کنيم با نگراني از ما مي پرسد؛ «چه کار مي خواهيد بکنيد؟ آيا در انتخابات شرکت مي کنيد؟» اين نشان مي دهد که مردم هم احساس مي کنند راهي جز شرکت در انتخابات براي حل مشکلات موجود نيست. زماني به اصلاح طلبان مي گفتند شما نتوانستيد کاري انجام دهيد اما امروز مي بينند که بالاخره نبود همان جمع در دولت و مجلس سبب شده کارهايي انجام شود که حداقل در حضور اصلاح طلب ها انجام نمي شد. مي بينند دولت اصلاحاتي که به آن انتقاد داشتند، حداقل کارهايي را نمي کرد که اينها انجام مي دهند و وضع کشور خيلي بهتر از وضع کنوني بود. حتي اگر بگويم هيچ کار مثبتي انجام نمي داد حداقل کارهاي منفي را که بعد از اصلاحات انجام شد مرتکب نمي شد. به نظر مي رسد گرايش مردم به دلایلي که عرض شد، شرکت در انتخابات باشد. گرايش به عدم شرکت در انتخابات بسيار کم شده است و همه فکر مي کنند از طريق شرکت در انتخابات مي توانند به نتیجه حداقلي برسند و هيچ کسي هم فکر نمي کند با تغيير ترکيب مجلس هشتم تحول عظيمي در کشور رخ مي دهد. نه، همه قبول دارند که حرکت اصلاحي یک حرکت تدريجي و درازمدت است.

- حتي اگر ردصلاحيت ها گسترده باشد باز هم مردم در انتخابات حضور خواهند داشت؟

اگر شرايطي به وجود آيد که نظير انتخابات دور هفتم تکليف ۱۹۰ کرسی از قبل روشن شود و امکان رقابت وجود نداشته باشد، طبعاً بسياري از مردم نمي توانند در انتخابات شرکت کنند ولي در حال حاضر هم مردم آمادگي براي شرکت دارند و هم اگر خدا بخواهد تعداد ثبت نام کنندگان و داوطلبان به حدي است که به بسته شدن ليست اصلاح طلبان اميد داشته باشيم.

پس بهتر نبود در این شرایط آقای خاتمی حضور پیدا می کرد تا فضای انتخابات را تحت تاثیر قرار دهد؟

اتفاقاً نظر شخصی من این بود که آقای خاتمی نامزد نمایندگی شود. موضوع را در سازمان متبوع مطرح کردم اما متأسفانه این پیشنهاد رای کافی نیاورد و به تبع آن من نتوانستم آن را با آقای خاتمی مطرح کنم. البته کارهایی هم شد که ایشان از شرکت در انتخابات بیشتر استنکاف کردند، اما قطعاً اگر آقای خاتمی در انتخابات نامزد می شد هم تعداد ثبت نام کننده مستقل و اصلاح طلب به تبعیت از آقای خاتمی خیلی بیشتر می شد و هم مردم حضور اصلاح طلبان را جدی تر تلقی می کردند و می فهمیدند که اصلاح طلبان با تمام قوا وارد میدان شده اند و آنها هم با تمام قوا وارد میدان می شدند. حالا هم امیدواریم که بتوانیم لیست خوبی بدهیم و آقای خاتمی، در دو ماه باقی مانده در عرصه انتخابات بیشتر فعال شود و در حضور مردم تاثیرگذاری مثبت تری داشته باشد.

-آقای نبوی، شما در جایی گفته اید ما به تکلیف عمل می کنیم و به نتیجه کاری نداریم. خب این همان استدلالی است که دولتی ها هم می کنند. پس فرق شما با هم چیست؟

اما آنچه مسلم است هر مسلمانی باید به تکلیف عمل کند ولی الزاماً عمل به تکلیف بی توجهی به نتیجه نیست. هر کسی به تکلیف عمل می کند به نتیجه هم می اندیشد مگر جایی که اضطرار باشد. امیرالمومنین و امام حسین (ع) به تکلیف عمل کردند. امام خمینی هم معتقد به عمل به تکلیف بود. اما با همه اینها حتی امام حسین (ع) از شهادت استقبال نمی کرد و تلاش می کرد راهی باز کند اما وقتی راه باز نشد تن به نبرد نابرابر داد. ما هم در جریان تحصن (موضوع سوال شما) به تکلیف نمایندگی و دفاع از حقوق مردم عمل کردیم و در عین حال با این اعتراض در پی آن بودیم که دستگاه نظارتی را وادار به تجدیدنظر کنیم که موفق نشدیم لذا این خیلی ظلم است که شما این را با عملکرد دولت نهم مقایسه کنید یعنی عملکردهای غیرمنطقی، حرف ها و موضعگیری های نسنجیده که هر روز مجبور شوند آنها را تغییر دهند و تکذیب کنند. اینها چه ربطی به عمل به تکلیف دارد. شما آبروی عمل به تکلیف را می برید. معنی عمل به تکلیف آن نیست که آدم از نتیجه فارغ باشد و اصلاً اهمیتی به نتیجه ندهد. عمل به تکلیف با سیاست ورزی و برخورد عاقلانه با مسائل مغایرت ندارد.

-در خصوص موضع ما در ارتباط با امریکا زمانی امام معتقد بود که باید با امریکا قطع رابطه کرد و نتیجه آن هم مهم نبود.

امام خمینی بعد از فاجعه حج سال ۶۶ و کشتار حجاج ایرانی در مکه صحبتی کرد و فرمود که اگر ما از صدام بگذریم از فهد نمی گذریم. این صحبت تاریخی و مشهور است. ولی همین امام خمینی دو سال بعد به مسوولان دستور داد که بروند و موضوع حج را حل کنند در صورتی که فهد هم کماکان سلطان عربستان بود. بنابراین بحث عمل به تکلیف را با سیاست ورزی جدا ندانید. امام آن موقعی که می گفت امریکا شیطان بزرگ است و از اشغال سفارت امریکا حمایت می کرد، موقعی بود که حداکثر عکس العملی که امریکا در قبال اشغال سفارت توانست نشان دهد پیاده کردن یک تعداد هلی کوپتر در صحرائی طیس و تحریم اقتصادی ایران بود. نمی گویم که اینها به سود ما بود ولی برد کار امریکا در این حد بود. امام که به امریکا حمله می کرد، از اوضاع کشور و منطقه و جهان تحلیل داشت و می دانست توان امریکا در برخورد با انقلاب اسلامی چه اندازه است و می دانست که آن موقع امریکا چه نقشی در افکار عمومی داخل و خارج ما دارد. شما نمی توانید تصور کنید حمایتی که امام از اشغال سفارت کرد چه وحدت و همبستگی ملی در ایران ایجاد کرد. آن زمان گروه هایی مثل مجاهدین خلق، چریک های فدایی، پیکار و همه گروه های ضدانقلاب هم در مواجهه با اشغال سفارت امریکا منفعل شده و از آن حمایت کردند و تمام شعارهایشان را به ناچار کنار گذاشتند. همه اطلاعیه دادند. مجاهدین خلق در تبریز کنسولگری خالی امریکا را اشغال کردند که از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام عقب نمانند. در آن شرایط امام می گفت امریکا شیطان بزرگ است و از اشغال سفارت دفاع می کرد. اشغال سفارت امریکا انسجام ملی ایجاد کرد. حداقل تمام مشکلات داخلی ما را حل کرد و اگر مساله اشغال سفارت پیش نمی آمد ممکن بود که انقلاب سرنگون شود و نتواند کار خود را ادامه دهد. این نشانگر آن است که امام بی گذار به آب زرده و سیاست ورزی کرده و با حساب و کتاب موضع گیری کرده است. ممکن است امروز شما به این نتیجه برسید که اشغال سفارت امریکا کار درستی نیست، ولی این نظر مربوط به ۲۸ سال پیش نیست. آن زمان شرایط مکانی و زمانی دیگری حاکم بود. امروز شرایط این است که برج های دوقلو در امریکا منفجر می شود و امریکا بدون هیچ نوع استدلال و دلیل محکمه پسندی به افغانستان حمله می کند و می گوید این کار توسط القاعده که حامی آن طالبان است صورت گرفته است و یک رژیم را سرنگون می کند، در حالی که سال ۵۸ اصلاً توان چنین کاری را نداشت. لذا امام می دانست چه کار می کند. اگر آن زمان به امریکا حمله می کرد، این نبود که فقط به تکلیف عمل می کرد و می خواست عاشورایی عمل کند. امام در جنگ ایران و عراق چرا آتش بس را پذیرفت؟ اگر می خواست عاشورایی عمل کند پس چرا آتش بس را قبول کرد؟ مگر نگفت اگر این جنگ ۳۰ سال طول بکشد ما تا آخر ایستاده ایم. پس چرا چنین کرد؟ در نامه بی که بعد از پذیرش آتش بس نوشتند مستدل و قوی و واضح علت تصمیم خود را مطرح کردند و همه

قبول کردند که اساس انقلاب و نظام در خطر است و خطر اشغال خوزستان وجود دارد. من که در ستاد فرماندهی کل قوا بودم به شما می گویم آن زمان اگر قطعنامه را نمی پذیرفتیم، این خطر وجود داشت که تمام خوزستان از دست ایران خارج شود. لذا می بینیم امام مسوولیت را پذیرفت و گفت جام زهر را می نوشم و آتش بس را اعلام کرد. در عین حال امام عمل به تکلیف هم کرده است. عمل به تکلیف همان پذیرش آتش بس بود که انجام داد، تکلیف مگر چیست؟ تکلیف ما اصلاح وضع کشور است. همیشه ما باید به تکلیف عمل کنیم.

- حتی اگر لازم باشد با امریکا رابطه برقرار کنیم؟

بله، به همین دلیل در شرایط کنونی ما طرفدار برقراری رابطه با امریکا هستیم چون معتقدیم این تصمیم به سود منافع و امنیت ملی و در جهت رفع خطرها و ضرر و زیان ها از سر کشور و نظام است.

- حتی اینکه مجری برقراری رابطه با امریکا جناح اصولگرا باشد؟

هر کسی می خواهد باشد، با اینکه معتقدیم در زمان آقای خاتمی و سال های اول دوره اصلاحات شرایط برای مذاکره با امریکا بسیار مساعدتر بود. آیا زمانی که خاتمی سال ۲۰۰۱ به عنوان سال گفت وگویی تمدن ها در مجمع عمومی سازمان ملل حضور پیدا کرد و آقای کلینتون برای یک دیدار نیم ساعته با آقای خاتمی اصرار فراوان داشت شرایط برای مذاکره دو کشور مساعدتر بود یا وقتی که حداقل پنج دیپلمات ما در عراق زندانی و پرونده ما در شورای امنیت است و چماق قطعنامه های این شورا بالای سر ما است و در منطقه چنین موقعیتی داریم؟ طبیعی است که آن موقع بهتر بود. مع الوصف از این مذاکره هم استقبال می کنیم چون ممکن است اگر دیرتر شود، اوضاع بدتر شود. لذا مذاکره و برقراری رابطه با امریکا را مشروط به حفظ منافع ملی تایید کرده ایم، حتی توسط این آقایانی که در حال حاضر حاکم هستند.

مبادا در شرایطی با امریکا رابطه برقرار کنیم که برای حفظ خودمان مجبور شویم تمام منافع کشور را به طرف مقابل واگذاریم.

- تحلیل شما از وضعیت کلی منطقه به خصوص پس از انتشار گزارش اطلاعاتی امریکا که ظاهراً تاثیرگذاری زیادی در منطقه داشته است، چیست؟

وضعیت مان در منطقه بالقوه می تواند بسیار برجسته و ممتاز باشد. ما قوی ترین کشور منطقه هستیم. موقعیت استراتژیک مان نسبت به همه دولت های منطقه بهترین است. ما پل ارتباطی بین کشورهای آسیای مرکزی با دریاهای آزاد هستیم. ما در عراق، افغانستان، لبنان و غیره شرایطی داریم که همه مجبورند به نظرات ما اهمیت دهند و توجه کنند، اما متأسفانه سیاست های ماجراجویانه و نامعقول شرایط نامطلوبی را برای ما در منطقه ایجاد کرده است و برای حل مشکلات و دفع خطرات احتمالی حتی مجبور می شویم امتیازات بسیاری بدهیم تا بلکه بتوانیم این شرایط را به نفع خودمان تغییر دهیم؛ شرکت آقای احمدی نژاد در اجلاس سران کشورهای شورای همکاری خلیج فارس که آنها اعلام کرده اند به درخواست ایران انجام شده است، حضور بدون دعوت وزیر خارجه در بحرین برای عذرخواهی بابت نوشته یک روزنامه و امثال اینها تا جایی که دل تان بخواهد و برخوردهایی که در ماجرای فروش گاز به هند و پاکستان داشته ایم.

به هر حال برای حل مشکلات خودمان مجبوریم پشت سر هم امتیاز بدهیم. شاید همین انتخابات دور هشتم را با عقل و درایت، بتوانند به یک نقطه عطفی برای بهبود وضع منطقه یی و جهانی ایران تبدیل کنند. واقعاً در جهت حفظ امنیت ملی و بهبود موقعیت مان در منطقه و حتی در جهان بسیار موثر خواهد بود.

- سوال آخر ما درباره شخص آقای بهزاد نبوی است. آقای بهزاد نبوی هنوز هم وارد کارهای اجرایی سیاسی می شود، در انتخابات ثبت نام می کند و فعال باقی مانده است؟ آیا شما نمی خواهید از فعالیت های اجرایی سیاسی کناره گیری کنید و بیشتر نقش مربیگری و هدایت جریان های سیاسی را عهده دار شوید؟

امیدوارم هرگز من به آن مرحله نرسم. من هم در زندگی شخصی و هم در زندگی سیاسی ام هیچ گاه قائل به اینکه باید در برج عاج بنشینم و هدایت و مربیگری کنم نبوده ام، حتی اگر خود را شایسته این کار بدانم که نمی دانم. من در زندگی شخصی همیشه سیاستگذاری را در کنار اجرا داشته ام. خرید خانه را خودم انجام می دهم. از همان زمانی که وزیر و وکیل بودم سوار وسیله نقلیه عمومی می شوم و معتقدم که سیاستگذاری و اجرا را باید در کنار هم انجام داد. در زندگی سیاسی هم همین طور. در ماه های اول انقلاب من عضو شورای کمیته مرکزی بودم اما در عین حال در

نقش یک مامور ساده انتظامات کمیته مرکزی در پشت درها به مردم نظم و ترتیب می‌دادم تا بی‌نوبت وارد نشوند. در دوره فعالیت های سیاسی با اینکه همه مرا متهم می‌کنند به اینکه به دیگران خط می‌دهم اما در عین حال مسوول ستاد انتخاباتی دوره چهارم مجلس شورای اسلامی برای مجمع روحانیون مبارز، ستاد انتخاباتی ائتلاف جبهه دوم خرداد در مجلس ششم و معاون امور استان های ستاد دکتور معین در انتخابات نهم بودم که اینها همه کارهای، اجرایی و پوسترچسبانی و صرفاً کار سیاستگذاری نیست. یا حتی در مجلس ششم من نایب رئیس بودم ولی در راهپیمایی حمایت از فلسطین که توسط نمایندگان انجام شد ضمناً در سیاستگذاری شرکت، مثل یک مامور انتظامات از ابتدا تا انتهای مسیر راهپیمایی سعی داشتم صف را منظم کنم. من معتقدم که یک عنصر سیاسی نمی‌تواند در برج عاج بنشیند و هدایت کند. من باید صابون رد صلاحیت به تنم بخورد تا بتوانم با نظارت استصوابی برخورد کنم، می‌بایستی کتک بخورم تا بتوانم این نوع حرکت ها را واقعاً محکوم کنم.

- اشاره شما به شهر قم است؟

منظور همه جا است. مگر فقط در قم بود. اهواز بود و...

به هر حال من معتقدم یک مرد سیاسی باید یک عنصر همه جانبه باشد از نظر رد صلاحیت و کتک خوردن، خرید برای منزل و سوار بر وسیله نقلیه عمومی شدن و در صف کوپن ایستادن و... اگر ده سال دیگر از من سوال شود باز هم من نمی‌گویم که من مریبی شده‌ام. من حتی اگر نقش مریبگری را ایفا کنم، همراه با بازیکنان می‌دوم.

۴ بهمن ۸۶

## جبهه مشارکت: همراه با سایر گروه‌های ستاد ائتلاف برای حضور در انتخابات تصمیم می‌گیریم

نوروز: با رد صلاحیت گسترده و فله‌ای نامزدهای انتخابات هشتمین دوره مجلس از سوی هیات‌های اجرایی که در پی آن اکثریت قریب به اتفاق نامزدهای اصلاح طلب رد صلاحیت شده‌اند، جبهه مشارکت ایران اسلامی به عنوان یکی از اصلی ترین گروه‌های ائتلاف اصلاح طلبان با صدور بیانییه نسبت به این مسئله هشدار داده و خواستار اعاده حیثیت از نامزدهای رد صلاحیت شده است.

متن کل این اطلاعیه به شرح زیر است:

با اعلام نتایج اولیه بررسی صلاحیت‌های نامزدهای نمایندگی هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی شاهد رد صلاحیت گسترده و بی‌سابقه نامزدهای انتخاباتی توسط هیات‌های اجرایی بودیم. بدون شك می‌توان گفت که این میزان رد صلاحیت که علی‌العموم نه بر مدار قانون بلکه متأثر از اعمال نفوذ سلیقه‌ها و گرایش‌های باندي و جناحی در هیات‌های اجرایی بوده است تا کنون در هیچ يك از دوره‌های پیشین سابقه نداشته است و هیات‌های اجرایی نامزدهای غیر همفکر با خود را تأیید می‌کردند، همواره بار اصلی رد صلاحیت‌های گسترده جناحی و سلیقه‌ای بر عهده هیات‌های نظارت شورای نگهبان بوده است.

با این اتفاق دولت نهم به عنوان مجری انتخابات نشان داد نه فقط در امر اداره کشور و تأمین حداقل‌های معیشتی جامعه و مبارزه با ناکارآمدی‌ها و معضلات مدیریتی و اقتصادی، تأمین منافع ملی در روابط خارجی، برخورد با مسائل اجتماعی هیچ نمره قابل دفاعی نگرفته است، بلکه در امر اجرای انتخابات و برگزاری سالم و بی‌مسأله انتخابات مجلس نیز از همین ابتدا مردود شده و صفحه‌ای دیگر بر صفحات قطور ناکارآمدی‌ها و بی‌تدبیری‌های پیشین خود افزوده است.

در هفت دوره پیشین انتخابات مجلس به طور معمول تلاش می‌شد که در انتخاب معتمدان و اعضای هیأت‌های اجرایی گرایش‌های مختلف فکری و سیاسی حضور داشته باشند تا تصمیم‌گیری‌های یکسویه و پشت درهای بسته موجب تضییع حقوق نامزدهای انتخاباتی نشود.

این بار اما همانگونه که از پیش روشن بود با انتخاب یکسویه معتمدان و اعضای هیأت اجرایی از میان تندروترین افراد وابسته به جناح حاکم و در رأس آنها انتخاب یک فرمانده نظامی به عنوان رئیس ستاد انتخابات، تمام بار ردصلاحیت گسترده و فله‌ای نامزدهای انتخابات تنها به جرم ناهمسویی با دولت نهم و جریان حاکم، توسط هیأت‌های اجرایی به جای آورده شد و بر نگرانی‌ها و دغدغه‌هایی که پیش از این بارها نسبت به آن هشدار داده بودیم صحنه گذارد.

اقدامات غیر قانونی هیأت‌های اجرایی در بررسی صلاحیت‌ها اعم از استعلام از مراجع غیرقانونی، مداخله سیاسی نهادهای غیرمسئول، دخالت مستقیم وزارت کشور در اعمال سلیقه جهت رد نامزدها، ترتیب اثر دادن به گزارش‌های غیر مستند و پرونده‌سازی‌های بی‌جهت سیاسی امنیتی برای برخی از نامزدها و رد فله‌ای فعالان سیاسی عضو گروه‌های شناخته‌شده، قانونی و رسمی کشور تنها به سبب نگاه انتقادی آنان به وضعیت موجود و دولت نهم و مجلس هفتم، همه و همه پیش از این مورد توجه و هشدار و انذار قرار گرفته بود که متأسفانه بی‌هیچ سد و مانعی مورد اعمال قرار گرفت و اکنون در بسیاری از حوزه‌های انتخابیه عملاً وضع به گونه‌ای است که امکان رقابت و برگزاری انتخاباتی سالم و عادلانه نخواهد بود.

نتیجه اقدامات هیأت‌های اجرایی جناحی و یکسویه در انتخابات دوره هشتم مجلس در حوزه‌های انتخابیه مختلف نشان‌دهنده آن است که تنها ملاک عملی برای اعمال نظر حذف نامزدهای نه فقط اصلاح‌طلب بلکه صرفاً ناهمسو و با گرایش متفاوت با دولت نهم که امکان و احتمال رأی‌آوری را داشته‌اند، بوده است. طرفه اینکه رئیس دولت نهم مدعی است که پس از روی کار آمدن ایشان آزادی مطلق در کشور حکمفرماست و کشورهای دیگر را نیز دعوت می‌کند که آزادی و دموکراسی را از ایشان بیاموزند.

جبهه مشارکت ایران اسلامی با ابراز تأسف از معمول داشتن چنین رویه‌هایی در نظام جمهوری اسلامی، ضمن محکوم کردن اقدامات غیرقانونی و غیر حقوقی و دست‌اندازی هیأت‌های اجرایی جناحی، به حیثیت و عرض و آبروی بسیاری از شخصیت‌ها و چهره‌های محترم، موجه و مورد اعتماد و اقبال مردم و ردصلاحیت فله‌ای و گسترده آنان، همه دلسوزان نظام و مسئولان عالی‌رتبه را به تلاش برای بازگرداندن روند انتخابات مهم مجلس هشتم بر مدار انتخاباتی عادلانه، آزاد و سالم و اعاده حق و حیثیت از نامزدهایی که تنها بر مبنای تنگ‌نظری‌های باندي و سلیقه‌ای صلاحیت آنان رد شده است فرامی‌خواند و در این جهت از هیچ کوششی فروگذار نکرده تمام راه‌های قانونی را برای بازگرداندن اعتبار به انتخابات هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی پی‌می‌گیرد و در کنار سایر مؤتلفان خود در ستاد ائتلاف اصلاح‌طلبان در مورد سرنوشت این انتخابات تصمیم جمعی خواهد گرفت.

جبهه مشارکت ایران اسلامی  
۱۳۸۶/۱۱/۳

۴ بهمن ۸۶

## حدود نود درصد کاندیداهای اصلاح طلب در استان همدان رد صلاحیت شده اند

این آمار فقط شامل اصلاح طلبانی است که از جانب ستاد اصلاح طلبان کاندیدا و رد صلاحیت شده اند که با اضافه نمودن افراد اصلاح طلب غیر تشکیلاتی این آمار تغییر خواهد کرد و آمار بیش از این خواهد بود.

دکتر فخرالدین حیدریان قائم مقام ستاد ائتلاف اصلاح طلبان استان همدان در رابطه با نتیجه بررسی صلاحیت کاندیدا های اصلاح طلب استان در هیأت های اجرایی گفت:

حدود نود درصد از کاندیداهای اصلاح طلب در استان همدان رد صلاحیت شده اند.

از سی و شش نفری که به نحوی مستقیم و یا غیر مستقیم از جانب ستاد اصلاح طلبان استان کاندیدا شده بودند فقط چهار نفر تائید صلاحیت شده اند و بقیه رد صلاحیت شده اند. از جمله افراد رد صلاحیت شده حسین لقمانیان (نماینده



دوره ششم از همدان ( ذبیح الله صفایی (نماینده سه دوره اسد آباد) محمد کاظمی (نماینده دوره ششم از ملایر) محسن ترکاشوند (نماینده دوره ششم از تویسرکان) علی حسینی (نماینده دوره ششم نهاوند) هستند .  
این آمار فقط شامل اصلاح طلبانی است که از جانب ستاد اصلاح طلبان کاندیدا و رد صلاحیت شده اند که با اضافه نمودن افراد اصلاح طلب غیر تشکیلاتی این آمار تغییر خواهد کرد و آمار بیش از این خواهد بود

۴ بهمن ۸۶

## پاسخ ناصری به سؤال: آیا ستاد انتخاباتی ائتلاف اصلاح طلبان تعطیل می‌شود؟

سخنگوی ستاد ائتلاف اصلاح طلبان با اشاره به اخبار رد صلاحیت‌های گسترده کاندیداهای اصلاح طلب گفت: «به زودی در یک کنفرانس مطبوعاتی، تصمیم ستاد را درباره موضوع رد صلاحیت‌ها اعلام خواهیم کرد».

عبدالله ناصری در گفت‌وگو با خبرنگار سیاسی آفتاب افزود: «منتظر بودیم نتایج بررسی صلاحیت‌ها به صورت رسمی اعلام شود تا درباره آن تصمیم بگیریم».

گفتنی است، برخی اخبار از تصمیم احتمالی ستاد ائتلاف اصلاح طلبان برای بستن و تعطیلی این ستاد در صورت حذف اکثریت قریب به اتفاق کاندیداهای اصلاح طلب حکایت کرده‌اند که عبدالله ناصری با تکذیب این اخبار، هرگونه تصمیم‌گیری و اعلام نظر در این زمینه را به پس از اعلام نتایج بررسی صلاحیت‌ها موکول کرد.

امروز (سه شنبه) نتایج بررسی صلاحیت‌ها در هیات‌های اجرایی، از طریق پست به اطلاع داوطلبان نمایندگی مجلس هشتم می‌رسد.

۳ بهمن ۸۶

## محسن آرمین: مجلس ششم به این زودی‌ها تکرارشدنی نیست

محسن آرمین نایب رییس مجلس ششم و عضو ارشد سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در گفت‌وگویی به روند اصلاحات در کشور پس از دوم خرداد و آسیب شناسی وقایع پس از آن، تشکیل مجلس ششم، نگاه حاکمیت به آن، اتفاقات رخ داده در زمان فعالیت مجلس ششم، عملکرد مجلس ششم و انتقادات مطرح درباره فعالیت و عملکرد اصلاح طلبان در زمان مجلس ششم و نیز بررسی عملکرد مجلس هفتم پرداخت. وی در این گفت‌وگو صریحا گفت که مجلس ششم دیگر تکرار شدنی نیست.

نایب رییس مجلس ششم و نماینده مردم تهران در این مجلس با بیان اینکه دوم خرداد شوکی عجیب به جامعه وارد کرد یادآور شد: «هیچ‌کس انتظار پیروزی در آن سطح را نداشت و حتی پیش‌بینی آن برای خود ما هم کار راحتی نبود. افراد امیدوار به انتخاب آقای خاتمی، معدود بودند. ما با این انگیزه وارد انتخابات شدیم که بالاخره ۴ یا ۵ میلیون رای بیاوریم تا رقیب پس از به قدرت رسیدن، به ما به چشم نیروی دارای ۴ یا ۵ میلیون نفر نگاه کند و فکر نکند می‌تواند هر کاری انجام دهد.» دکتر محسن آرمین در گفت‌وگو با خبرنگار اظهار داشت: «جریانی که به نام جریان مقابل اصلاحات مطرح شد، اساسا خود را آماده کرده بود تا تمام مملکت را در اختیار داشته باشد و حتی تقسیم پست و مملکت کرده بودند. تا مدتی جبهه‌ی ضداصلاحات یا مقابل اصلاحات تحت تاثیر این شوک توان مدیریت و برنامه‌ریزی را از دست داده بود. به تدریج این جریان توانست خود را بازسازی و با طرح و برنامه حرکت کند. شوک دوم خرداد اجازه نمی‌داد در یکی دو سال اول مقابله با اصلاحات کاملاً سازمان‌یافته و برنامه‌ریزی شده باشد.»

وی ادامه داد: «در واقع اصلاحات تنها محدود به یک سری حزب و گروه سیاسی نبود، بلکه به نیروی اجتماعی تبدیل شده بود. همواره گفته‌ایم اگر واقعا بتوانیم خواسته‌هایمان را به نیروی اجتماعی تبدیل کنیم می‌توانیم آقایان را قانع کنیم که در دیدگاه‌ها و تصمیماتشان تجدیدنظر کنند. این نیروی اجتماعی یعنی موازنه‌ی قوا در سطح جامعه کاملاً به نفع

اصلاح‌طلبان یعنی دوم‌خردادی‌ها تغییر کرده بود. در چنین شرایطی شورای نگهبان حتی اگر می‌خواست، نمی‌توانست عملکردی جز این داشته باشد. فضای اجتماعی به گونه‌ای بود که نمی‌شد در مقابل آن ایستادگی کرد، و گرنه عملکرد شورای نگهبان به‌خصوص پس از انتخابات و در جریان اعلام نتایج نشان داد که شورای نگهبان اصلاً از این نتیجه راضی و موافق نیست و نمی‌خواهد نتیجه این باشد. ۷۰۰ هزار رای تهران باطل شد. این چیز کمی نبود! وی افزود: «در انتخابات دوم‌خرداد هم این‌گونه عمل کردند. آقای خاتمی کاندیدای شماره چهارم بود اما در انتهای لیست قرار گرفت. شورای نگهبان در قبال این مسئله به انفعال افتاد تا توضیح دهد علت اینکار آنها چه بوده است.»

### **اصلاحات در کشور ما به هیچ وجه با همراهی و استقبال بخش‌های موثر در حاکمیت همراه نشد**

آرمین در ادامه این گفت‌وگو با بیان این‌که تغییر معادله قوا در سطح جامعه اجازه نمی‌داد که شورای نگهبان بخواهد مثل سابق عمل کند، خاطرنشان کرد: «نمی‌توانم قبول کنم اقداماتی مثل ترور حجاریان یا برخوردهایی که با بخش‌های مختلف اصلاحات شد اقداماتی پراکنده بوده است. نمی‌خواهم بگویم آن گروهی که با مطبوعات برخورد کردند، همان‌ها بودند که در ترور حجاریان نقش داشتند. اما صرف‌نظر از مصداق؛ جریان مقابل اصلاحات به این نتیجه رسیده بود که اصلاحات نقاط قوت کانونی از جمله بخش مطبوعات، دانشگاهی و برخی از چهره‌های موثر و تعدادی از احزاب و گروه‌ها دارد. باید با اینها برخورد کرد. به نظر من بسته شدن مطبوعات، فشار روی بخش دانشجویی و برخورد با شخصیت‌ها و چهره‌های سیاسی در قالب یک سناریوی کلان صورت می‌گیرد. لزوماً این مسئله به آن معنی نیست که آن بخشی که با مطبوعات برخورد می‌کرد احساس می‌کرده است که در قالب این سناریو ایفای نقشی می‌کند؛ اما به نظر من همه‌ی آن اقدامات یک هدف داشت و آن زمین‌گیر کردن اصلاحات بود.» وی با بیان این اعتقاد که «در واقع اصلاحات در کشور ما به هیچ وجه با همراهی و استقبال بخش‌های موثر در حاکمیت همراه نشد و تمام مشکل هم همین بود» ادامه داد: «ممکن است دلایل و عوامل مختلفی وجود داشته باشد، اما به هر حال اصلاحات با اقبال روبه‌رو نشد. اگر حتی در برخی از موارد بخشی از حوادثی که در جریان جنبش دانشجویی به وجود آمد از طرف حاکمیت پذیرفته شد مثل انتخاب آقای خاتمی و مجلس ششم این پذیرش از سر طیب خاطر یا استقبال نبود، بلکه ناخواسته بود و تحمیل شده بود. لذا فقدان این همراهی از طرف بخش‌های موثر و پوسته‌ی سخت حاکمیت با اصلاحات موجب شد کار به این‌جا بکشد.»

آرمین در پاسخ به این‌که مبنای اقبال مردم نسبت به لیست مشارکت چه بود، گفت: «پس از جنگ یک دوره‌ی سازندگی را تجربه کردیم. به دلیل کمبودهای ناشی از جنگ جامعه تحت فشار بود و می‌خواست هرچه زودتر دوره‌ی سختی جنگ را پشت سر بگذارد و وضع نسبتاً قابل قبول و مرفه‌ی داشته باشد. آقای هاشمی از همین فضا بهره برد و توانست آرای زیادی به خود اختصاص دهد و بالاخره دولتش را با همین شعار دوره‌ی سازندگی و پایان سختی‌ها و آغاز رفاه و آسایش و بیشتر با گرایش توسعه‌ی اقتصادی و مسایل اقتصادی پیش برد. در دوره‌ی دوم دولت آقای هاشمی بخش سیاسی و اجتماعی بیشتر مغفول ماند. در دوره‌ی دوم ریاست جمهوری آقای هاشمی تحت فشارهایی که همان همراهان سابق ایشان داشتند مسایل فرهنگی و اجتماعی دولت دوم سازندگی مجبور شد از بسیاری از این مواضع عقب‌نشینی کند.»

**آرمین اظهار همچنین با یادآوری اینکه مساله‌ی یاد شده در ترکیب کابینه دوم دولت هاشمی قابل مشاهده است ، افزود: «در این کابینه نهادهای فرهنگی و وزارتخانه‌های فرهنگی همه از وزرای راست و موثلف‌های بودند. وزارت کشور هم که سیاسی‌ترین وزارتخانه بود به دست آقای بشارتی افتاد! این مسئله به معنا آن نبود که این ترکیب مطلوب آقای هاشمی است. آقای هاشمی تحت فشارهایی که آن جریان رقیب و متحد سابق به او آورد مجبور بود این امتیاز را بدهد تا بتواند به برنامه‌های اقتصادی‌اش برسد و در واقع تحت فشار عقب نشست. این روند بخشی از نخبگان کشور را که در واقع جزو طیف دوم‌خرداد بودند به این نتیجه رسانده بود که راه حل مشکلات این جامعه راه حل اقتصادی نیست.» وی ادامه داد: «احساس می‌شد ما احتیاج به اصلاحی در ساختار سیاسی سیستم تصمیم‌گیری‌های سیاسی داریم و باید در کشور اصلاحی در مناسبات سیاسی اتفاق بیافتد. نقطه‌ی کانونی آن‌جاست. تجربه‌ی آقای هاشمی عده‌ای را به این نتیجه رسانده بود که نقطه‌ی ورود برای حل مشکلات کشور اقتصاد نیست بلکه سیاست است و ساختارهای سیاسی و قدرت باید اصلاح شود. به همین دلیل است که آقای خاتمی با شعار جامعه‌ی مدنی، دموکراسی و آزادی وارد میدان شد. شعار آقای خاتمی دموکراتیزه کردن نهادهای نظام و اصلاح از داخل بود.» وی افزود: «اصلاح‌طلبان در اینکه این نظام اصلاح‌پذیر است و روابط حاکم بر نهادهای تصمیم‌گیرنده نظام روابط دموکراتیک نیست با هم اشتراک داشتند. اینکه این نهادها باید دموکراتیزه شوند و ما از درون به اصلاح این نظام بپردازیم که هم باعث قدرت و کارآمدی نظام و حل مشکلات جامعه شود. به همین دلیل تأکید روی وجه مشارکت مردم در اداره‌ی امور و امر سیاست و قدرت و تعیین سرنوشت بحث جامعه‌ی مدنی و ... هم ناظر به این مساله بود.»**

### تا عرصه‌ی سیاسی شفاف‌ی نداشته باشیم نمی‌توان به حل مشکلات اقتصادی پرداخت

آرمین در ادامه خاطرنشان کرد: به همین دلیل آن تجربه به ما دیکته می‌کند که راه حل مشکل این است و البته این شعار به معنای بی‌توجهی به مسایل اقتصادی نبود. برعکس به موجب این شعار اصلاح‌طلبان معتقد بودند راه حل مشکلات اقتصادی آن‌جاست. تا ما عرصه‌ی سیاسی شفاف‌ی نداشته باشیم و جامعه بر امر قدرت نظارت و کنترل نداشته باشد نمی‌توان به حل مشکلات اقتصادی و برخورد با فساد و ... خوشبین و امیدوار بود. به همین دلیل عملکرد اقتصادی دولت آقای خاتمی هم همین سمت و سو را داشت. در جهت شفاف کردن ضوابط اصلاح مناسبات اقتصادی از بین بردن برخی از ضوابط دست و پاگیر که فعالیت اقتصادی را محدود می‌کرد. «وی ادامه داد: «جامعه چنین تجربه‌ای داشت و این احساس را پیدا کرده بود. مجموعه‌ای که اصلاح‌طلبان را تشکیل داده بودند توانستند جامعه را به اجماعی برسانند. نباید از حق گذشت که در دوره‌ی سازندگی کارهای بزرگی انجام گرفت. اما همچنان مشکلات پابرجا بود. فضای فرهنگی سیاسی بسته بود مردم احساس مشارکت در قدرت را نداشتند عرصه‌ی سیاسی کاملاً منفعل بود و رکودی بر آن حاکم بود. مطبوعات هم این وضعیت را داشتند. جامعه آمادگی فهم این منطق را نداشتند. همان‌طور که آقای هاشمی بعد از جنگ خوب نبض جامعه را شناخت و شعاری متناسب با احساس جامعه مطرح کرد. شعار آقای خاتمی هم کاملاً از طرف جامعه مورد اقبال قرار گرفت و جامعه گمشده‌ی خود را در آن دید.» آرمین در ادامه یادآور شد: «وقتی می‌خواهیم نگاه آسیب‌شناسانه نسبت به تجربه‌ی ناکامی که داشتیم بیفکنیم باید به دنبال علل و عوامل موثر برویم. بخش‌هایی در اصلاحات آوانگارد و رادیکال بودند و از سوی دیگر بخش‌های محافظه‌کاری هم در اصلاحات داشتیم؛ چرا که به هر حال اصلاحات یک طیف بود. قضاوت در مورد عملکرد اصلاحات باید درباره‌ی عملکرد برآیند آن باشد نه بخش‌های افراطی و تفریطی که در واقع در حاشیه‌ی این جریان قرار داشتند. هر جنبش اجتماعی و سیاسی بی‌شک گرفتار عملکرد و مواضع تند و افراطی است. هر جنبشی به میزان گستردگی‌اش در آن حرکت‌های متفاوتی می‌بیند. در انقلاب، مگر حرکت‌های افراطی کم اتفاق افتاد؟! اما وقتی می‌خواهیم در مورد انقلاب قضاوتی بکنیم نمی‌آییم آن بخش رادیکال و تندرو افراطی را ملاک قرار دهیم و در مورد کل انقلاب با توجه به آن قضاوت کنیم. در مورد اصلاحات هم همین است و باید شاخص ارزیابی برآیند عملکرد بخش میانی، اصلاحات باشد.»

### من اصلاً این منطق را که چون یک عده حرف‌هایی زدند که تند بود اصلاحات شکست خورد را نمی‌پذیرم!

وی تأکید کرد: «معتقدم اگر مواردی از تندروری هم نبود باز هم اصلاحات موفق نمی‌شد؛ چرا که اصلاحات اراده‌ای بود که از بطن مردم برخاسته بود و اراده‌ی حاکمیت با اراده‌ی جامعه در این نقطه انطباق و همپوشی نداشت. بخش‌های موثر در حاکمیت و پوسته‌ی سخت حاکمیت نمی‌توانست اصلاحات را بپذیرد. مشکل اصلی این‌جا بود اگر واقعاً چنین تفاهمی وجود داشت حل این مساله که یک بخش‌هایی گرفتار تندروری هستند راحت بود.»

آرمین گفت: «بحث بازی تبلیغاتی سیاسی را کنار بگذارید. مگر امروز که آقای کروبی از بخش‌هایی از اصلاح‌طلبان انتقاد می‌کند چه قدر از جانب گروه مخالف اصلاحات پذیرفته می‌شود؟ خود آقای کروبی، فکر او و حضور او در قدرت و منشأ اثر بودنش آیا از سوی جریان مخالف اصلاحات پذیرفته شده است؟! آن بخش‌هایی از منتقدان اصلاحات که صریح حرف می‌زنند می‌گویند که اصلاح‌طلب، اصلاح‌طلب است! تند و کند همه یکی هستند! مساله اصلاً این نبود که فکر آقای خاتمی را پذیرفته باشند اگر آقای خاتمی تنها بود و همه حرف آقای خاتمی را می‌زدند؛ مثلاً اصلاحات هیچ مشکلی نداشت؟! اگر از جریان اصلاحی فقط حرف خاتمی بیرون می‌آمد همه می‌پذیرفتند و اصلاحات هیچ مشکلی نداشت و پیش می‌رفت و چون یک عده حرف‌هایی زدند که تند بود باعث شد اصلاحات شکست بخورد؟! من اصلاً این منطق را نمی‌پذیرم! احساس می‌کنم که اگر آن اقدامات نبود، فکر آقای خاتمی و منطق اصلاحات را این بخش از حاکمیت حاضر نبود بپذیرد.»

وی گفت: «در دوره‌ی آقای خاتمی هم حرف‌هایی از این دست زیاد گفته می‌شد که عده‌ای از خاتمی سبقت گرفتند و عبور از خاتمی را مطرح می‌کنند! تفکر آقای خاتمی خوب است آنها مشکل دارند! و ... اتفاقاً آن زمان هم که این حرف‌ها را می‌زدند در جهت این هدف بود که میان اصلاح‌طلبان اختلاف ایجاد کنند. امروز هم آقای خاتمی از سوی این آقایان که آن زمان می‌گفتند خوب و معتدل است مورد چه قضاوت‌هایی قرار می‌گیرد! عنوان می‌شود آقای خاتمی نماد سیاست‌های واکنشی، از سر ترس، زبونی، کوتاه آمدن در برابر آمریکا، سیاست‌های تحقیرآمیز گفت‌وگویی تمدن‌هایش و چیزی به جز کرنش و کوتاهی در برابر آمریکایی‌ها نبوده. این حرف‌ها را نشریه پرتو آقای مصباح که نمی‌زند که بگوییم بخش افراطی جریان مخالف اصلاحات است. نه، آقای الهام این حرف‌ها را می‌زند! آقای احمدی‌نژاد این حرف‌ها را می‌زند!»

### تعامل اصلاح‌طلبان در مقطع مجلس ششم با بخش‌های مذهبی جامعه

وی درباره‌ی تعامل اصلاح‌طلبان در مقطع مجلس ششم با بخش‌های مذهبی جامعه گفت: «هیأت ریسه‌ی مجلس بعضا با علما دیدار داشت. غیر از هیأت ریسه آقای کروبی دیدارهای مرتب داشتند. اما این را می‌پذیریم که اصلاح‌طلبان با بخش‌های مذهبی و سنتی ارتباطشان ضعیف شد. بخش مهمی از آن به این علت بود که اساسا پایگاه‌های مهم اصلاح‌طلبان را هدف گرفتند و این پایگاه‌ها ضربه خورد. اما آیا واقعا علت شکست اصلاحات این بود؟! اما وزن این عامل در حد به شکست کشاندن اصلاحات نبود. آیا فکر می‌کنید که اگر قرار بود ۸۰ یا ۹۰ نماینده رد صلاحیت شود مثلا مراجع تقلید واکنش نشان می‌دهند که شورای نگهبان این کار را نکند؟! کما این‌که امروز هم می‌بینیم که مگر مراجع تقلید از هر چیزی که اتفاق می‌افتد راضی هستند؟ اما اتفاق می‌افتد و پیش هم می‌رود.» وی تصریح کرد: «هسته‌ی اصلی مشکلات وجود یک اراده‌ی کاملا مخالف و مصمم علیه اصلاحات در سطح حاکم بود. قرار شده بود رسانه‌ی عمومی کشور اصلا خودش طراح سیاست‌های تبلیغاتی علیه دولت و مجلس اصلاحات شود و از آن طرف هم تمام کانال‌های ارتباطی اصلاحات با جامعه قطع و زده شود. روزنامه‌ها توقیف شوند. صدا و سیما هم کاملا علیه اصلاحات عمل کند. تمام موفقیت‌هایی که اصلاحات برای کشور کسب کرده به فراموشی سپرده شود یا مورد بی‌توجهی قرار گیرد. مشکلات بزرگ‌نمایی شود یا اگر مشکلی نیست مشکل‌آفرینی نشود.»

### دوران اصلاحات تمام تلاش صدا و سیما ایجاد سیاه‌نمایی بود

آرمین گفت: «اگر صدا و سیما همین نسبتی را که امروز با دولت دارد با دولت آقای خاتمی داشت و علیه خاتمی نبود، آیا آن اشکالات و خطاها می‌توانست در سطح بخش‌های مذهبی یا کانون‌های دینی و مذهبی نسبت به اصلاح‌طلبان ایجاد تردید بکند؟ به هیچ وجه. لذا وزن عوامل را باید در نظر گرفت. تمام تلاش صدا و سیما ایجاد سیاه‌نمایی بود.» وی در ادامه با تاکید بر سهم قدرت تبلیغاتی در شکل‌دهی به افکار عمومی خاطر نشان کرد: «**امروز به لحاظ اقتصادی تیره‌ترین افقی را که می‌شود در عرصه‌ی اقتصادی داشت داریم. تحریم و قطع روابط اقتصادی. بانک‌های دنیا با ما کار نمی‌کنند. نرخ تورم فوق‌العاده بالا رفته است. سال گذشته به دلیل این تحریم‌ها حداقل ۱۵ میلیارد دلار ضرر مادی مستقیم دیدیم. تمام سرمایه‌گذاری‌ها متوقف شده است. تعداد کارکنان عسلیویه به یک چهارم تقلیل پیدا کرده است.** پروژه‌های اقتصادی خوابیده است. تورم بیداد می‌کند. حجم نقدینگی در این دو سال دو برابر شده است. شاخصه‌هایی را که اگر کنار هم بگذاریم به معنی ورشکستگی مطلق اقتصادی است. اما جامعه این احساس را ندارد. چون تبلیغات یکدست و با تمام ظرفیت در جهت حفظ فضای روانی جامعه است. دوره‌ی آقای خاتمی همین حجم از تبلیغات با همین حدت و شدت در جهت ایجاد سیاه‌نمایی بود.» سخنگوی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران خاطر نشان کرد: «فکر نمی‌کنم جامعه‌ی ایران اگر در آن شرایط احساس می‌کرد به لحاظ اقتصادی وضعیت بدتری پیدا کرده و مشکلاتش حل نشده و افق تیره‌ای در برابرش قرار دارد گناهی مرتکب شده باشد و ما حق داشته باشیم جامعه‌ی ایران را ملامت کنیم که چرا چنین احساسی داشته است. وقتی تلویزیون هر شب بیغول‌ها و حلبی‌آبادها را نشان می‌دهد. جامعه‌ای که اینها را می‌بیند را نباید ملامت کرد. خوب در این جامعه وقتی اصلاح‌طلبان استعفا می‌دهند معلوم است که کسی فریاد نمی‌زند. جامعه‌ای که موفقیت‌های اصلاحات را نمی‌بیند و در آن اشکالات چند برابر بزرگ‌نمایی می‌شود. از آن سو هم دائم شاهد چالش و بحران است و مدام بحران‌هایی مثل ترور و توقیف و قتل‌های زنجیره‌ای و بازداشت‌ها به جامعه پمپاژ می‌شود. تنش‌های مکرر. جامعه با این حال حق دارد این تصورها را داشته باشد!»

### اصلاح طلبان اولویت بندی نداشتند

وی گفت: «معتقدم اصلاحات در این مملکت ممنوع نیست هرچند از نوع سخت آن است. اگر بحث انتقاد نسبت به اصلاحات پیش آید می‌توان عنوان کرد که چه انتقاداتی به اصلاح‌طلبان وارد بوده است. یکی از این انتقادات این بود که در اهدافشان اولویت‌بندی روشنی نداشتند و نمی‌توانستند جامعه را روی این اولویت‌ها قانع کنند. اگر اصلاح‌طلبان این امکان و ظرفیت را داشتند که بگویند ما مثلا سه هدف مشخص داریم و اهداف حداقلی را تعریف می‌کردند شاید می‌توانستیم فضای بهتری داشت باشیم. لوایح دوگانه را هم اگر می‌دادیم موفق نمی‌شدیم. بنا نیست در این مملکت فعلا انتخابات آزاد نهادینه شود. البته این به معنی این نیست که لزوما ما اشتباه کردیم.» آرمین اضافه کرد: «بینید! بازرگان چرا در انقلاب دوام نیاورد؟ آیا آدم بد و غیرملمی بود؟ بازرگان به این دلیل دوام نیاورد که وقتی که جو انقلابی یکپارچه و پرشور همه‌ی بخش‌های جامعه را در بر گرفته بود، گفت: من مثل یک فولکس واگن هستم، از من انتظار کامیون نداشته باشید! می‌خواست اهداف حداقلی را تعریف و اجرا کند؛ در حالی که انتظاراتی که در جامعه وجود داشت حداکثری بود، این دو با هم نمی‌خواند. اگر واقعا وضعیت جامعه به گونه‌ای بود که اصلاح‌طلبان می‌توانستند دو سه هدف و فضای حداقلی را تعریف کنند و جامعه هم پذیرش پیدا می‌کرد می‌توانستیم بگوییم اصلاحات می‌ماند و موفق می‌شد. اما چنین چیزی عملی نبود! جامعه دستخوش چنان شرایط احساسی بود که نمی‌توانست این شرایط حداقلی را بپذیرد.»

وي تاكيد كرد: «وقتي آقاي خاتمي پيروز شد از جمله مجموعه‌هايي كه معتقد بود ما بايد بياييم اهداف حداقلي را تعريف كنيم سازمان مجاهدين انقلاب بود. آقاي نبوي گفت ۲۰ درصد قدرت دست خاتمي است. به اندازه‌ي ۲۰ درصد قدرت از خاتمي انتظار داشته باشيد! جامعه نمي‌توانست اين را بپذيرد، چون احساس مي‌كرد حركتي خلق کرده است كه استحقاق دستيابي به اهداف خيلي بالايي دارد و اين با ۲۰ درصد قدرت همخواني نداشت و جامعه و برخي از دوستان ما نمي‌توانستند آن را بپذيرند. همان موقع اين صحبت با انتقاد برخي دوستان ما مواجه شد. البته در اينجا من اين نقد را به دوستان اصلاح‌طلب خود دادم كه بايد نسبت به شرايط توجيه مي‌بودند و براي كنترل انتظارات در جامعه تلاش مي‌كردند. بعضي از دوستان ما اين كارها را نكردند بلكه برعكس به انتظارات و توقعات دامن زدند. بايد پرسيد آيا اصلاحات به خاطر تنوير، تشكيلات و سازمان و فرماندهي اين انسجام را داشت كه بتواند روي دو يا سه هدف حداقلي به تفاهم برسند. آيا اين انتظار را مي‌توانستيم از جريان اصلاحات داشته باشيم يا نه! البته من معتقدم كه فكر كنيم اين انتظارات از اصلاحات منطقي بوده است.»

### اصلاحات دستاوردهاي بزرگي داشت

آرمين اضافه كرد: «هيچ‌كدام از اينها به معنای اصلاح‌ناپذيري يا امتناع از اصلاحات در کشور نیست. اتفاقاً اصلاحات دستاوردهاي بزرگ داشت. آقاي خاتمي و مجموعه اصلاح‌طلبان تاثيرات فرهنگي و فكري عميقي در جامعه ايجاد كردند. جامعه ما الان به لحاظ آگاهي‌هاي اجتماعي و به ويژه مقولاتي مثل آگاهي به حقوق شهروندي اصلاً با دوره‌ي قبل از اصلاحات قابل مقايسه نیست. نمي‌شود ديگر مثل دوره‌ي قبل بر جامعه حكومت كرد. اين خود يك مرحله از اصلاحات است. كافي است كه ما اين را درك كنيم و بتوانيم جامعه را قانع كنيم كه آنچه كه به دست آمده كم نیست و آن راهي كه رفته شده و ناتمام گذاشته شده همچنان بايد ادامه پيدا كند.» اين نماينده مجلس در دور ششم تصريح كرد: «در مجلس ششم در بخش‌هاي لوايح اقتصادي آنها كه در جهت اصلاح ساختارهاي اقتصادي و مقررات‌زدايي‌ها بود علي‌رغم مخالفت‌هايي كه شوراي نگهبان داشت توانستيم موفق شويم. شوراي نگهبان در مورد لايحه جلب سرمايه خارجي، اشكالات زيادي ايجاد مي‌كرد. اما بالاخره در آن موارد مشكلات ما كمتر بود و توانستيم موفق شويم و اين از نقاط مثبت و موفقيت‌هاي مجلس ششم بود. لوايحي كه مجلس در اين زمينه تصويب كرد لوايح كمي نبود و ناظر به تحولات ساختاري و بنياني اقتصادي بود.» وي گفت: «در بخش‌هاي سياسي و حقوق شهروندي شوراي نگهبان البته موضع كاملاً متصلبي داشت. حاضر نبود كمترين انعطافي نشان دهد. مسائلي كه يقيناً با شرع و قانون اساسي مخالفتي نداشت. اين كه افراد بايد وكيل داشته باشند و وكيل در بازجويي وجود داشته است. اين اصلاحات در قانون اساسي اصلاً چيزهايي نبود كه با شرع و دين مخالفتي داشته باشد. با منع شكنجه مخالفت كرد! من در آن مقطع در مجلس گفتم آدم اين درد را كجا ببرد؟ ما مي‌خواهيم بگوئيم شكنجه نیست شوراي نگهبان مي‌خواهد بگويد هست! آيا اين دفاع از نظام است؟! با اين حال اما ما در جاهايي موفق شديم. بالاخره قانون نحوه تشكيل هيأت منصفه را از زير ضرب شوراي نگهبان درآورديم. البته با اصلاحات زياد. اما بالاخره رفت و مشخص شد كه هيأت منصفه بايد جوري انتخاب شود كه دادستان يا رييس‌جمهور نتوانند در آن اعمال نفوذ كنند و در دادگاه مطبوعات هر كس را كه خود مي‌خواهد بنشانند.»

### مجلس ششم از همان ابتدا بايكوت بود

آرمين همچنين دربارهي برگزارتي جلساتي در كميسيون امنيت ملي با موضوع رابطه با آمريكا گفت: «يكي از نقاط قوت مجلس ششم كميسيون امنيت ملي آن بود. كميسيون امنيت ملي مجلس ششم واقعا در قد و قواره‌ي يك كميسيون امنيت ملي ظاهر شده بود. هر چند كه باز بخش‌هايي از حاكميت حاضر نبودند آنرا به رسميت بشناسند و حتي رئيس كميسيون امنيت ملي را در جلسات شوراي امنيت ملي دعوت نمي‌كردند و اين خلاف عرف بود. او به عنوان يك عضو بدون حق راي هم نمي‌توانست در جلسات شركت كند و از ابتداي مجلس هم اين گونه بود. اصلاً مجلس ششم از همان ابتدا بايكوت بود! در عين حال اين كميسيون مقتدرترين كميسيون در طول تاريخ پس از انقلاب بود و به لحاظ طرح‌ها و لوايحي كه مطرح كرد در كلاس يك كميسيون امنيت ملي قوي بود. طرح‌ها و لوايحي كه كميسيون امنيت مجلس ششم به صحن علني مجلس آورد طرح‌هاي بسيار اساسي و مهمي بود و در كلاس يك كميسيون امنيت ملي قوي ظاهر شد و به لحاظ ارتباطات سياسي با مجالس دنيا بيشتريين تحرك سياسي بين كميسيون امنيت كشورمان با كميسيون‌هاي امنيت ملي ساير كشورها در دوره‌ي مجلس ششم اتفاق افتاد.»

### لوايح دوگانه خاتمي حاكميت قانون و تضمين سلامت انتخابات بود

اين عضو ارشد سازمان مجاهدين انقلاب اسلامي تصريح كرد: «اراده موجود در پوسته‌ي سخت حاكميت نمي‌خواست اصلاحات را بپذيرد؛ چرا كه احساس مي‌كرد نسبتش با اصلاحات نسبت تناقض و تضاد است. لوايح دوگانه آقاي خاتمي حاكميت قانون و تضمين سلامت انتخابات بود. منطق آقاي خاتمي اين بود كه اگر اين دو را بتوانيم تضمين كنيم و به

هیچ يك از اهداف اصلاحي هم نرسیم اما مطمئن باشیم که در این مملکت انتخابات سالم برگزار می‌شود و با ناقضان قانون برخورد می‌شود، به اهداف اصلاحي خودمان رسیده‌ایم. این پایه‌ی اصلاحات است. اگر نظامی آن را پذیرفت ما هم اگر نباشیم انتخابات آزاد و حاکمیت قانون باشد اشکالی ندارد. این چه اشکالی داشت که آقایان حاضر نشدند حاکمیت قانون و نهادینه شدن انتخابات آزاد را بپذیرند! چون بالاخره همین دو لایحه با موجودیت خیلی‌ها و بسیاری از رفتارها و خودسری‌ها تضاد داشت. این حداقل اصلاحات بود. دو تا انتقاد تند بهانه است. این پیام صریح به آقای خاتمی بود که ما اصلا حاضر نیستیم اصلاحات را بپذیریم.» آرمین با بیان اینکه طرح و پیگیری پرونده زهرا کاظمی در مجلس مصالح يك عده‌ای را به خطر انداخت تصریح کرد: « مصالح يك عده که در آن مقطع برآشفتمند، مصالح نظام نیست! اتفاقا مصالح نظام این‌گونه تامین می‌شد ما اعتقادمان بر این است.»

وي در خصوص چگونگی هماهنگی نمایندگان برای بیان نطق‌ها گفت: « البته ما نوعی هماهنگی را داشتیم که نطق‌ها ناظر به مسائل مهم کشور باشد. اما این‌گونه نبود که تمام نطق‌هایی که در مجلس صورت می‌گیرد کانالیزه شده و با گذر از سیستمی باشد و درباره‌ی آن اظهار نظر شده باشد. نطق زهرا کاظمی را من اصلا نرفتم به کسی نشان دهم فقط به دوستان گفته بودم که من این کار را خواهم کرد و دوستان هم مخالفتی نکرده بودند. من هم فقط از این جهت مطرح کردم که در جریان باشند. خیلی از نطق‌ها همین گونه بود. اگر موضوع مهم بود مطرح می‌کردند. اگر نبود می‌رفتند و می‌خواندند. اما برخی از نطق‌ها از قبل بیشتر بین همه مطرح می‌شد و فراكسیون از قبل برای طرح آن در نطق‌های پیش از دستور برنامه‌ریزی می‌کرد. نطق‌هایی پیش می‌آمد که می‌خواست موضع‌گیری از جانب فراكسیون صورت گیرد این موارد در جمع تنظیم می‌شد اما در نهایت باید گفت یکی از بزرگترین خدمات‌های مجلس ششم گسترش عرصه‌ی عمومی بود که از این جهت هیچ مجلسی با مجلس ششم قابل مقایسه نیست.»

#### **تحلیل و رویکرد مجلس نسبت به حوادثی مثل ۱۱ سپتامبر**

آرمین در ادامه این گفت‌وگو درباره‌ی تحلیل و رویکرد مجلس نسبت به حوادثی مثل ۱۱ سپتامبر گفت: « تلقی ما این بود که اتفاق ویژه‌ای در دنیا افتاده است که می‌تواند منافع ملی ما را به خطر بیندازد. به همین علت صریح و سریع باید در این مورد موضع‌گیری و محکوم می‌شد. البته قبل از این‌که ما فرصت این بحث‌ها را پیدا کنیم خوشبختانه آقای خاتمی این کار را کرد و ایران اولین کشوری بود که در این مورد واکنش نشان داد. آقای خاتمی در پیامش که به نام ملت ایران صادر شده بود این کار را خیلی سریع انجام داد. به نظر من این یکی از عملکردها و تصمیمات فوق‌العاده آقای خاتمی بود. خیلی‌ها هم ناراحت بودند که چرا آقای خاتمی باید به سرعت جلو بیفتد و محکوم کند. اما از منظر ملی این کار آقای خاتمی باعث شد که یازده سپتامبر از معدود مواردی باشد که انگشت اتهام طرف ایران نرفت و این خیلی مهم است. لذا مجلس و حداقل موضع کمیسیون امنیت ملی همین بود کاملا موضعی که دولت اتخاذ کرده را تایید کرد.»

#### **مسئله سهم ایران از دریای خزر در دوره‌ی اصلاحات قطعی شد**

وي درباره‌ی بحث حریم دریای خزر گفت: « بحث ۵۰ درصد ایران از حریم دریای خزر هیچ موقع وجود نداشت. حتی در توافق بین ایران و شوروی این طور مطرح شده بود که دریای خزر دریای مشترک بین دو کشور است و بحثی از درصد نیامده بود. هر چند که در زمان شوروی سابق و رژیم شاه، ایران عملا به هیچ وجه از سهم ۵۰ درصد برخوردار نبود. ایران حق حضور نظامی در دریای خزر را نداشت. شاه کشتی نظامی در دریای خزر نداشت و شوروی داشت و خیلی از موارد دیگر. بنابراین اصلا این مسئله ۵۰ - ۵۰ نه در سندی مطرح شده بود و نه عملا اجرا می‌شد. فروپاشی شوروی در دوره‌ی سازندگی اتفاق افتاد. آن موقع يك خطاي تاکتیکی سیاسی صورت گرفت. نمی‌شود اسم آن را اشتباه گذاشت؛ بحث ۲۰ درصد آن موقع از ناحیه ایران مطرح شد که ما پنج کشور شدیم و هر کشور ۲۰ درصد از سهم دریا را داشته باشد. خطاي تاکتیکی از آنجا بود که ما نباید پیشنهاد دهنده می‌بودیم. وزیر خارجه که در آن زمان آقای ولایتی بود این خطاي تاکتیکی را کرد.»

آرمین اضافه کرد: « البته وضعیت جغرافیایی دریای خزر به گونه‌ای است که امکان نداشت با به وجود آمدن کشورهای مستقل جدید تازه استقلال یافته ایران ۵۰ درصد سهم داشته باشد. چون در آن صورت حریم ما تا ساحل آذربایجان و ترکمنستان می‌رفت و اصلا نمی‌شد. چون این دریا خیلی باریک و دراز است. عملا ۵۰ درصد ممکن نیست. وضعیت جغرافیایی و فیزیکی دریای خزر اصلا این مسئله را اجازه نمی‌دهد. اما ما نباید پیشنهاد دهنده ۲۰ درصد می‌بودیم. آن‌ها باید دنبال ما می‌افتادند که ۲۰ درصد مطرح شود نه این‌که ما به دنبال آن‌ها بیفتیم که به ۲۰ درصد رضایت دهند! ما باید دست بالا می‌گرفتیم.»

سخنگوی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران در ادامه تصریح کرد: «مسئله سهم ایران از دریای خزر در دوره اصلاحات قطعی نشد و البته چیزی هم نیست که به این سادگی‌ها قطعی شود. اما خدمت دولت اصلاحات این بود که اجازه نداد در این خصوص هیچ توافقی صورت بگیرد یا هیچ توافقی رسمیت پیدا کند. آقای خاتمی که به اجلاس سران کشورهای دریای خزر رفت توافقاتی روسیه با بعضی از کشورها کرده بود و نقشه متناسب با آن توافقات در اتاق نصب شده بود. آقای خاتمی گفت من تا قبل از این که نقشه‌ای که در اتاق نصب شده است برداشته شود وارد اتاق نمی‌شوم و اگر بخواهد چنین مباحثی مطرح شود در این اجلاس شرکت نمی‌کنم. هم آن نقشه را برداشتند و هم آن بحث را از دستور کار خارج کردند. وضعیت ما در دریای خزر به گونه‌ای است که رای ما ۴ به یک است. زمینه‌ی رسیدن به توافق بین آن‌ها خیلی زیاد است و زمینه توافقاتشان با ما کم است. این از هنر آقای خاتمی این بود که اجازه نداد زمینه چنین توافقی ایجاد شود. این اقدام دفاع از تمامیت ارضی و مصالح کشور بود. آن زمان در مجلس خانم کولایی هم از آقای خرازی انتقاد می‌کرد که چرا ادعای ۵۵ درصد نمی‌کنید.»

پرونده‌ی اصلاح طلبان نقاط مثبت زیادی دارد  
وی افزود: «موضع مجلس ششم در قبال دریای خزر منفعلانه نبود. موضع منفعلانه را امروز باید ببینید. چرا که وقتی معمولاً اجلاس منطقه‌ای در کشور برگزار می‌شود عرف است که کشوری که میزبان برگزار می‌کند اجلاس بین‌المللی است بیشترین سهم را از مصوبات آن می‌گیرد. ما در این جا اصلاً یک کلمه در مورد سهممان در دریای خزر صحبت نکردیم در حالی که میزبان بودیم و باید از امتیاز میزبانی‌مان استفاده می‌کردیم. حتی رییس‌جمهور ترکمنستان وقتی در مورد تقسیمات صحبت نایجابی می‌کند ما هیچ گونه بحثی راجع به آن نکردیم. سکوت کردیم و از کنار آن رد شدیم. آن فرد در کشور ما آمده و بر خلاف نظر ما حرف می‌زند و ما اصلاً به آن پاسخی نمی‌دهیم و سکوت می‌کنیم! فقط به خاطر این‌که موضع بین‌المللی ضعیفی داریم و احتیاج داریم که یک اجلاس در ایران برگزار شود که بگوییم بله؛ ایران مرکز رفت و آمدهای دیپلماتیک است و مثلاً پوتین هم به ایران می‌آید! لذا از این جهت فکر می‌کنم در پرونده‌ی اصلاح طلبان و دولت اصلاحات نه تنها نقطه‌ی منفی نیست بلکه نقطه‌ی مثبتی زیادی هم دارد.»

#### از یک مجلس مستقل انتظار می‌رود بله قربان گوی تصمیم چهار نفر نباشد

سخنگوی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ادامه داد: «از جمله کارهای بسیار خوبی که این کمیسیون انجام داد طرح علمی بحث روابط ایران و آمریکا بود. واقعا از یک مجلس مستقل این انتظار می‌رود که بله قربان گوی تصمیم چهار نفر نباشد و چهار نفر برای کل یک مملکت تصمیم نگیرند. همان‌طور که در مجلس هفتم وقتی در کمیسیون بحث می‌شود تا رییس کمیسیون می‌گوید از بالا گفته‌اند؛ همه ساکت می‌شوند و مباحث خاتمه می‌یابد! بحث در مورد روابط ایران و آمریکا را ما به عنوان یک سلسله مباحث مطرح کردیم. درست مثل تمام مجالس مستقل و موفق دنیا که این کار را می‌کنند؛ از صاحب‌نظران و آشنایان با مباحث سیاسی دعوت کردیم نظراتشان را بدهند کمیسیون آن‌جا نظر خاصی نداشت. ما فقط می‌خواستیم موضوع را به بحث بگذاریم و دیدگاه‌های مختلف مطرح شود تا بتوانیم نهایتاً از جمع‌بندی نظرات استدلال‌ات و گفت‌وگوها به نتیجه‌ای برسیم و حتی در مقطعی تصمیم داشتیم این سلسله گفت‌وگوها را چاپ کنیم و منتشر نماییم.»

#### زمانیکه ما بحث مذاکره با آمریکا را مطرح کردیم مثل امروز نبود که ما بگوییم مذاکره می‌کنیم و بوش اعلام کند حاضر نیست مذاکره کند!

وی تصریح کرد: «کمیسیون امنیت ملی البته در مقامی نبود که بخواهد در مورد روابط ایران و آمریکا تصمیم‌گیری کند و سیاستی اعلام نماید. این باید در شورای عالی امنیت ملی انجام می‌شد. اما فکر می‌کردیم کاری که شورای عالی امنیت ملی نمی‌کند و از یک کمیسیون امنیت ملی قوی در مجلس انتظار می‌رود را ما باید انجام دهیم. آن زمان البته مذاکره با آمریکا کفر بود و مثل حالا نبود که حرکت انقلابی محسوب شود بلکه ضدانقلابی محسوب می‌شد! مثل امروز نبود که ما بگوییم مذاکره می‌کنیم و بوش اعلام کند حاضر نیست که مذاکره کند!»

آرمین ادامه داد: «در این جلسات هم از همه‌ی طیف‌ها دعوت می‌کردیم اما بعضی‌ها نمی‌آمدند. چون جریان مخالف اصلاحات و راست نسبت به این‌گونه ابتکارات موضع منفی داشتند. از نظر آقایان این کارها بدعت محسوب می‌شد و فضولی بود که مجلس بخواهد وارد این مباحث شود. رسم و سنت این بود که در شورای عالی امنیت ملی تصمیم می‌گیرند مجلس هم باید فقط رای بدهد و هورا بکشد. لذا حاضر نبودند در آن مشارکت کنند. در عین حال ما هم بین سخنرانانمان از افراد مختلف دعوت کردیم. فشاری هم نبود؛ چون ما اصلاً به این چیزها توجه نداشتیم و کار خودمان را می‌کردیم.»

وي درباره‌ي اطلاعاتي دادگستري در مورد منع اظهارنظر درباره‌ي رابطه با آمريكا گفت: «اطلاعاتي روابط عمومي دادگستري جوك بود اصلا چيزي نبود كه قابل اعتنا باشد.» آرمين درخصوص گزارش‌هاي تحقيق و تفحصي كه در مجلس ارايه شد خاطر نشان كرد: «دو مورد پرونده‌ي تحقيق و تفحص بود كه به نتيجه نرسيد. به دليل مستندهاي زيادي كه بود گزارشش تهيه نشد. يكي پرونده‌ي نوارسازان و ديگري عملكرد دادگستري تهران بود كه پس از نطق من بررسي عملكرد مرتضوي در دستور قرار گرفت و تصويب شد. اين دو مورد از جمله تحقيق و تفحص‌هايي بود كه روي آن بسيار كار شد. جلسات تحقيق و تفحص‌هاي متعدد و دعوت از مطلعين، شهود و ... كه به مرحله‌ي تدوين گزارش و ارايه به مجلس نرسيد. اما در بقيه‌ي موارد تحقيق و تفحص‌هاي خوبي بود و ارايه هم شد.»

وي گفت: «طرح تحقيق و تفحص از صدا و سيما يك اقدام واكنشي نبود. اولين لايحه بودجه‌اي كه به مجلس وارد شد. مساله‌ي بودجه‌ي صدا و سيما در آن بحث‌انگيز شد. برآورد ما اين بود كه صدا و سيما حدود ۱۲۰ ميليارد تومان درآمد از محل آگهي‌هاي تبليغاتي دارد و خود صدا و سيما مدعي بود كه اين مبلغ حدود ۲۰ ميليارد تومان است و خواهان يك بودجه‌ي كلاني بود. البته مواضع صدا و سيما هم ما را تشويق مي‌كرد. يك پول هنگفتي به صدا و سيما داده شود كه عليه مجلس تبليغ كند؟! اين كه معني نداشت! اما به واقع انگيزه‌ي ما اين نبود. ما نمي‌خواستيم بودجه‌ي صدا و سيما را نسبت به آنچه كه نياز داشت كم كنيم. احساس مي‌كرديم بودجه‌هايي خارج از محاسبه خرج چيزهاي ديگر مي‌شود. خرج مواردی مثل انتخابات، پخش نوارهاي عصر عاشورا در سراسر كه كشور و ... ما احساس مي‌كرديم اين بودجه‌ها بايد حساب و كتاب داشته باشد.»

### صدا و سيما در اعلام درآمد هایش پنهان‌كاري مي‌كند

آرمين يادآور شد: «برآورد ما اين بود و استدلال هم داشتيم كه درآمد صدا و سيما از محل آگهي‌هاي تبليغاتي در ايستگاه‌هاي راديويي و شبكه‌هاي مختلف تلويزيوني به مراتب بيشتر از آن چيزي است كه صدا و سيما مطرح مي‌كند و هنوز هم معتقديم كه صدا و سيما در اعلام درآمد هایش پنهان‌كاري مي‌كند و برخورد شفافي نمي‌كند و درآمد هایش واقعي‌اش را به هيچ وجه نمي‌گويد. بر اين اساس از بودجه‌ي صدا و سيما كم كرديم و به بودجه‌ي بخش‌هاي عمراني افزوديم. شوراي نگهبان با آن لايحه مخالفت كرد كه به مجمع تشخيص مصلحت رفت و چون بودجه‌اي كه از دولت آمده بود زياد بود و آقاي خاتمي بايد آن را كم مي‌كرد مجمع هم راي داد كه به بودجه‌ي دولت برگردد. در واقع به همان چيزي كه صدا و سيما مي‌خواست برگرداند. اين براي ما سابقه‌اي بود كه در صدا و سيما بودجه‌هاي جابه‌جا مي‌شود و صرف چيزهايي مي‌شود كه با وظائف ذاتي صدا و سيما اصلا تناسبی ندارد. به‌ويژه اين كه تلقي ما اين بود كه آقاي لاريجاني در جبهه مخالف اصلاحات به شدت فعال است و طراح و برنامه‌ريز است و كار مي‌كند و يك امكانات گسترده‌اي هم مثل صدا و سيما در اختيار دارد. گزارش‌هايي هم مي‌رسيد مبني بر صرف بخشي از آن بودجه در مسير انتخابات. ما فقط به خاطر جنبه‌هاي مالي وارد اين تحقيق و تفحص شديم.»

وي گفت: «صدا و سيما هم اصلا همراهي نكرد. ما فقط توانستيم ۵ تا از حساب‌هاي صدا و سيما را بررسي كنيم. فقط در بررسي ۵ پرونده ۵۰۰ ميليارد گزارش درآورديم كه معلوم نيست چگونه خرج شده است. بقيه حساب‌ها معلوم نيست كه چه مشكلي داشت كه صدا و سيما اصلا در اختيار ما نگذاشت. البته صدا و سيما تكذيب كرد. اما اي كاش كه قوه‌ي قضاييه كه اين قدر نسبت به اين مسايل بعدها حساسيت نشان داد و ستادهاي مبارزه با رانت و فساد را مطرح كرد اي كاش اين حساسيت آن موقع هم وجود داشت. حداقل اين گزارش بررسي مي‌شد. دادگاه براي آن تشكيل مي‌شد تا در دادگاه روشن شود كه چه خبر است.»

### در مساله نوارسازان قوه‌ي قضاييه هيچ‌گونه همكاري با مجلس نداشت

آرمين خاطر نشان كرد: «در مساله نوارسازان قوه‌ي قضاييه هيچ‌گونه همكاري با مجلس نداشت و گارد كاملا بسته جلوي ما گرفت. در حالي كه ما واقعا قصد برخورد با قوه‌ي قضاييه نداشتيم. فكر مي‌كرديم يك بخش‌هايي در قوه‌ي قضاييه است كه با پرونده‌ها برخورد سياسي مي‌كند. با رييس دادگستري تهران كه آقاي عزيزاده بود صحبت كرديم اما فقط با يك نمايش روبه‌رو شديم، كه بله، من حرفي ندارم ولي قاضي بايد اجازه دهد. مي‌خواستيم در جلسه حضور پيدا كنيم اما حتي اجازه‌ي حضور در دادگاه هم داده نمي‌شد. يعني براي اولين بار در اين مملكت قاضي آن قدر مستقل شده بود كه تصميم مي‌گرفت! البته آن قاضي هم بعدا بركنار شد و معلوم شد كه اين قاضي مستقل چه مشكلاتي دارد. مساله بسيار عجيب بود. فردي به نام فرشاد ابراهيمي ادعاهايي کرده بود و گفته بود چنين باندي وجود دارد. دست به چنين كارهايي مي‌زند با بعضي از بزرگاني در ارتباط است و خط مي‌گيرد و فلان وزير را مي‌زند و فلان جا را سرقت مي‌كند. اين يك ادعا بود. بهترين كار اين بود كه دادگاه شفافي برگزار شود و بگويد بر اساس چه اسناد و مداركي اين حرف‌ها را مي‌زند. ديگران بيايند شهادت بدهند و اصلا معلوم شود كه دروغ است يا نه و با آن برخورد كند. اما قوه‌ي قضاييه در اين زمينه اصلا امتحان خوبي پس نداد. نتيجه‌ي آن دادگاه اين شد كه از بعضي از آقايمان كه خدمتشان رسيدند و از



آنها توضیح خواستند هیچ‌کدام به دادگاه احضار نشدند و بعد خود مدعی محکوم شد و به زندان رفت. وکیل مدعی هم به زندان رفت. آقای رهامی متهم شد که کمک کرده است و نوار ساختگی بوده است و سرانجام هم بعد از یک سال که زندان رفت تبرئه شد و تمام چیزهایی که در مورد او گفته شده بود به اثبات نرسید و معلوم شد که کذب محض است. این از تجربیات بد قوه‌ی قضاییه بود.»

آرمین درخصوص تعامل اقلیت و اکثریت در مجلس ششم شورای اسلامی گفت: «در هر مجلسی بحث‌هایی درخصوص نحوه‌ی تعامل اقلیت و اکثریت هست. ساخت مجلس یک ساخت کاملاً دموکراتیک است و تشکیل کمیسیون‌ها کاملاً به صورت دموکراتیک صورت می‌گیرد. افراد برای کمیسیون‌ها ثبت نام می‌کنند بر اساس رشته تخصصی‌شان. البته هیچ‌گاه هم این تناسب حفظ نمی‌شود؛ چون بعضی از کمیسیون‌ها اصلاً مشتری ندارند. بعضی از کمیسیون‌ها خیلی مشتری دارند. این است که اصلاً امکان این هم وجود ندارد. وقتی پای رای‌گیری به میان می‌آید بخشی که اکثریت را دارد رایش غالب است و بهره‌ی بیشتری از کمیسیون‌ها می‌برد. جناح اقلیت چون کمتر است تمام خواسته‌هایش تأمین نمی‌شود.»

### **بعضی از قضاوت‌ها در مورد مجلس ششم با بغض همراه است**

سخنگوی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه بعضی از قضاوت‌ها در مورد مجلس ششم با بغض همراه است افزود: «کمیسیون اصل ۹۰ که هیچ‌کس حاضر نبوده وارد آن شود چون همواره توأم با درگیری است قوی‌ترین چهره‌های دوم خرداد در مجلس وارد آن شدند. آقای نعیمی‌پور، خاتمی، انصاری و ... در حالی که آنها می‌توانستند وارد کمیسیون‌های مهم شوند. یکی از مهمترین کمیسیون‌ها کمیسیون اقتصادی، در خدمت جناح راست قرار گرفت.»

آرمین در ادامه درخصوص پیش‌بینی از چگونگی ترکیب مجلس هشتم شورای اسلامی گفت: «مجلس ششم از جمله حوادثی است که به این زودی‌ها تکرارشدنی نیست. نقاط عطف در تاریخ کشور یک بار اتفاق می‌افتاد و تا سال‌های بعد فعلاً جزو مجالسی است که باید در تاریخ انقلاب دنبال آن گشت و راجع به آن بحث کرد. ترکیب مجلس هشتم و اتفاقات آن بستگی به عوامل متعدد دارد. هنوز مشخص نیست که شورای نگهبان چگونه عمل خواهد کرد و انتخابات آزاد باشد یا نه.»

### **مجلس هفتم حساسیت‌های مجلس ششم را در مقابل حقوق شهروندی نداشت!**

آرمین در ادامه این گفت‌وگو با انتقاد به عملکرد مجلس هفتم ادامه داد: «باید گفت اولین کاری که مجلس هفتم کرد این بود که اقداماتی که در مجلس ششم انجام شد را معلق کرد. بنابراین دوستان از حالت تعارفی که در حاکمیت به وجود آمد استفاده کردند. بین شورای نگهبان و آقای شاهرودی. مجلس هفتم اصلاً وارد این حوزه‌ها نمی‌شود و کاری به حقوق شهروندی و این چیزها ندارد. در وزارت علوم این همه دانشجوی ستاره دار شدند، مجلس هفتم چه‌کار کرد؟! دولت هم کار خود را کرد! نه سوالی نه مواخذه‌ای و نه چیزی! آن حساسیت‌هایی که مجلس ششم در مقابل حقوق شهروندی داشت مجلس هفتم اصلاً نداشت!»

وی در ادامه برخورد شورای نگهبان با مجلس هفتم را همدلانه ارزیابی کرد و گفت: «وقتی ما می‌خواستیم قانون فروش ماشین‌های اسقاطی نیروی انتظامی را تصویب کنیم شورای نگهبان مخالفت کرد و آن را مخالف شرع دانست! اما چگونه است که الان دیگر آن حرف‌ها نیست! چرا شورای نگهبان آن حساسیت را ندارد و مجلس هم کاملاً آن تفکر را پذیرفته است. اگر شورای نگهبان می‌خواست عرصه‌ی استقلال مجلس را در نظام محدود کند مجلس هفتم عملاً آن را از پیش پذیرفته است و وقتی پذیرفته هیچ مشکلی پیش نمی‌آید.»

### **ترکیب مجلس هشتم متکثری خواهد بود**

وی در پایان گفت: «این اوضاع و شرایط داخلی و خارجی می‌تواند به گونه‌ای پیش رود که سیاست‌های کنترلی و سخت‌گیرانه در انتخابات اعمال شود یا می‌تواند به سمت و سویی پیش رود که آقایان ناگزیر شوند مقداری فضا را بازتر کنند. در فرض‌های مختلف باید گفت چه اتفاقی می‌افتد. اما اگر شرایط همین باشد که امروز هست یعنی این هشدارها و خط و نشان کشیدن‌ها برای ردصلاحیت‌ها و وضع نارضایتی جامعه و وضعیت اصلاح‌طلبان و جناح مقابل این‌گونه باشد تصورم این است که جریان حاکم اقتدارگرا مثل انتخابات شوراهای بازنده‌ی قضیه است اما به هر حال ترکیب مجلس متکثری خواهد شد. اگر همین امروز انتخابات برگزار شود مجلس هشتم هیچ فراکسیون اکثریت قاطع که بتواند نظر خود را بر بخش‌های دیگر مجلس تحمیل کند به وجود نخواهد آمد و ساختار متکثری خواهد داشت.»